



تابستان ۱۴۰۴

استا

نشریه داخلی انجمن زرتشتیان کرمان

مجله اشا



فردوسی، فردوس از آن تو باد
ای بزرگ مردِ توس، سال های جوانی ات
را پای نیاکانم گذاشتی / درفش دادگری
کاوه را بر بلندای فرهنگ ایرانی
برافراشتی، فریدون تازه ای برای ما
آوردی و شک ندارم که تو خود سیمرغی

وطن فردوسی و شهنامه اوست
که ایران زنده از هنگامه ی اوست

این شماره نشریه اشا که به همت
روانشاد مهندس سیروس فروهری پایه
گذاری شده در هشتمین سالگرد آن
روانشاد به مرحله چاپ رسید یادش
گرامی نامش جاودان



سخن نخست

به خشنودی اهورامزدا

صاحب امتیاز: انجمن زرتشتیان کرمان
ترتیب انتشار: ماهنامه، اکنون هر فصل یک بار
سردبیر: آرش ضیاتبیری
هماهنگ کننده: آرین فروهری
ویراستار: ماندانا طهمورسی
طراحی داخلی: کیوان بختیاری
طراحی جلد: رامتین زند خاوری
عکس روی جلد: مروارید پرستار
فهرست:

سخن نخست.....	صفحه ۱-۲
سفرنامه هندوستان - قسمت پایانی.....	صفحه ۲-۵
فراگیری گویش بهدینی کرمانی (۵).....	صفحه ۶-۹
مکتب‌خانه های زرتشتی کرمان.....	صفحه ۱۰-۱۲
سلامت روان.....	صفحه ۱۲-۱۳
مصاحبه با پیشکسوت والیال کرمان.....	صفحه ۱۴-۱۶
توسعه جامعه زرتشتی.....	صفحه ۱۷
آب به آرامگاه کرمان بازگشت.....	صفحه ۱۸-۱۹
شفاف سازی.....	صفحه ۱۹
کاربرد ترانه و دوبیتی و رباعی در آیین‌ها.....	صفحه ۲۰
همیاری بهدینان در همراهی پادگان.....	صفحه ۲۱-۲۲
طنز.....	صفحه ۲۲-۲۳
رویداد های- هازمان زرتشتی کرمان.....	صفحه ۲۳-۲۸
دهشمندان.....	صفحه ۲۹-۳۴

نویسندگان: همکاران این شماره:

آرش ضیاتبیری	رامین گشتاسیان
کوروش بهی زاده	هلنا گشتاسیان
آرمیتا فرهمند	دنیا نوشادی
مرجان فرهمند	تریتی ضیاتبیری
آبتین بختیاری	هaida بختیاری
فرشید خسروپور	پشوتن مهران
میترا خسروی	رکسانا کیومرثی
میترا خسروپور	آریومن فروهری
دادمهر رستمی	

پژمان پیلتن

فرزاد نیکدین



روز بزرگداشت فردوسی در ماه اردیبهشت در سراسر ایران جشن گرفته شد، زیباست که بدانیم سرآغاز این جشن از سال ۱۳۱۳ خورشیدی و با حضور ایرانشناسان در جشن هزاره این شاعر پرآوازه رقم خورد. در آن سال تعدادی از پارسیان هند نیز در این جشن شرکت داشتند. جمشید جی و دستور نوشیروان بعد از بازگشت به هندوستان، با همکاری پارسیان هند، اولین مجسمه فردوسی از برنز را ساختند و با هماهنگی ارباب رستم گیو آن را به ایران حمل کردند و این مجسمه در سال ۱۳۲۴ در میدان فردوسی تهران نصب گردید و اکنون این مجسمه در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. بی شک جشن هزاره فردوسی، شناخت دوباره این شاعر نامور و زنده کردن شکوه ایران بود.

شماره جدید ماهنامه اشا، محتوای بیشتری نسبت به شماره‌های قبل دارد که در ادامه ملاحظه خواهید کرد. در اینجا لازم می‌دانم از هموندان هیئت تحریریه و تمام همکارانی که در این یکسال گذشته با دلسوزی و کوشش خود، نشریه اشا را به موقع در اختیار خوانندگان گرامی قرار دادند، قدردانی نمایم. اشا با همه سختی‌ها، در زمانهای مختلف با تلاش تعدادی از همکیشان، کار اطلاع رسانی جامعه را هرچند کوتاه به انجام رسانده و همچنان ادامه دارد.

تعدادی از همکیشان پرسش‌هایی داشتند که شاید جواب آنها برای دیگر خوانندگان نیز مفید باشد، بنابراین دو نمونه از پرسش‌ها را بازگو کرده و جواب خواهیم داد. شخصی درخواست داشت، که اگر امکان دارد محتوای ماهنامه را متنوع تر کنیم، بخشی را به جدول اختصاص دهیم و بخشی

سفرنامه هندوستان (بخش پایانی)

سفر از بمبئی به اودواره - نوساری - سنجان - سورت
اودواره به فاصله حدود ۴۸۰ کیلومتری بمبئی قرار دارد. اودواره (Udware) شهر مذهبی و زیارتی زرتشتیان است که دو آتشکده و امکانات اسکان برای پارسیان و زرتشتیان دارد. گروه ما که شامل ۱۷ نفر از زرتشتیان کرمان و تهران بود، با سه جیپ ساخت کارخانه تاتا به طرف اودواره حرکت کردیم. جاده از وسط جنگل‌های انبوه نارگیل، انبه، تمره‌ندی، ترگله و بسیاری دیگر از درختان از جمله درخت تری (Tari) می‌گذرد. درخت تری، درختی است شبیه درخت نارگیل با این تفاوت که میوه‌ای نمی‌دهد و اگر گلوگاه درخت تیغ زده شود، مایع شیرینی رنگی به مرور بیرون می‌آید که در کوزه‌هایی جمع آوری می‌شود، این مایع شبیه آب داخل نارگیل قابل خوردن است و برای یرقان موثر و مقوی می‌باشد. در حاشیه جاده‌ها مردم محلی هر کوزه دولتری را به قیمت ۳۰ روپیه می‌فروختند و می‌گفتند اگر از این مایع چند لیوان مصرف شود، به انسان بی‌خبری دست می‌دهد. من که دو لیوان از این مایع را نوشیدم هیچگونه احساسی نداشتم. ما که ساعت ۶ صبح از بمبئی حرکت کرده بودیم، به علت شلوغی جاده ساعت ۳ بعداز ظهر به اودواره رسیدیم. وجود ۲ آتشکده در اودواره، رفت و آمد موبدان و نگهبانان آتش و هیربدان با لباس‌های سفید در کوچه‌های تنگ شهر، خانه‌های کوچک و تمیز زرتشتی اودواره که درب اکثر آنها باز بود و رهگذران می‌توانستند درون خانه را مشاهده کنند، دکه‌هایی که انواع پیراهن، جاکلیدی و دیگر لوازم زینتی می‌فروشد، به اودواره حالتی بسیاری روحانی می‌دهد.

به هر دو آتشکده رفتیم، یکی معروف به آتشکده قدیمی که با روغن کوچک روشن نگه داشته می‌شود و قدمت آن به ۱۲۷۷ سال می‌رسد و توسط موبد چینا اداره می‌شود. آتشکده دومی آتشکده جدید نام دارد که با برق روشن نگه داشته می‌شود و قدمت آن به

را هم به خانواده و... در جواب ایشان باید بگوییم که اضافه نمودن هر بخش جدید به ماهنامه نیازمند همکاری افرادی در این زمینه می‌باشد و ماهنامه از حضور همه همکیشان علاقه مند و نویسندگان استقبال می‌کند و چندین بار هم دعوت به همکاری نموده و باز هم اعلام می‌داریم که اشا متعلق به شماست. چنانچه علاقه به همکاری دارید و پیشنهادی در این زمینه به ذهنتان رسیده خواهشمندیم با ما ارتباط برقرار کنید تا از همفکری و نوشتار شما در شماره‌های آینده بهره‌مند شویم.

همکشی در مورد چاپ و توزیع ماهنامه سوال کردند، که باید بگوییم، ماهنامه اشا بعد از ویرایش و تایید انجمن محترم به دو صورت دیجیتالی و فیزیکی ارائه می‌گردد. ماهنامه فیزیکی به تیراژ ۲۵۰ نسخه چاپ می‌شود و در اولین جشن در اختیار همکیشان قرار می‌گیرد و تعدادی هم در دبیرخانه موجود است و نسخه دیجیتالی ماهنامه نیز همزمان با توزیع نسخه چاپی منتشر می‌گردد.

توضیح دیگری که لازم است ارائه شود در مورد اخبار است. همکاران گروه خبری اشا که در کمیسیون جوانان نیز فعالیت دارند، اخبار را آماده می‌کنند اما با توجه به اینکه از آخرین ویرایش ماهنامه تا چاپ آن حدود ۲۰ روز زمان می‌برد، مراسمی که در این محدوده زمانی برگزار می‌شود، اخبار آن در شماره بعد، که ۳ ماه از آن گذشته چاپ می‌گردد. به همین منظور از خوانندگان گرامی برای به موقع چاپ نشدن اخبار عذرخواهی می‌کنیم و در تلاش هستیم که تا آخرین لحظه قبل از چاپ، اخبار را منتشر کنیم.

✍️ آرش ضیاتبیری

پس از دیدن نوساری و شرح فلسفه وجودی آن از زبان آقای اسفندیار سدوا به جانب سورت، شهری در فاصله حدود ۷۰ کیلومتری شمال غربی نوساری حرکت کردیم. در سورت سه آتشکده وجود دارد که دوتای آنها وسط شهر و یکی دیگر که قدیمی‌تر است در چند کیلومتری آن قرار دارد. همه آتشکده‌هایی که ما دیدیم بسیار تمیز بودند. ما به گروهی از پارسیان، برخوردیم که از دیگر نقاط هندوستان برای زیارت به آتشکده قدیمی که در وسط شهر است، آمده بودند. آنها لباس سفید پوشیده بودند. سدره و کشتی بر تن داشتند و با دقت وسواس خاصی مراسم مذهبی را به جا می‌آوردند و با صدای بلند روبه آتش مقدس نماز می‌خواندند.

یکی از افراد همین گروه درباره آتش و آتشکده به من گفت: «آتش و آتشکده پیش از زردشت وجود داشته است، آتشکده محلی بوده که در آنجا همواره آتش برای مصرف اهالی نگهداری می‌شده و بنا به ضرورت محل تجمع مردم بوده، زرتشت برای ارایه دین جدید مجبور شد به آتشکده برود و چون آتش و آتشکده نه تنها منافاتی با تعالیم زرتشت نداشت، بلکه جزو چهار آخشیچ مقدس دین زرتشت هم بود. بنابراین او آتشکده را به عنوان نماد دین زرتشتی پذیرفت.»

در سورت با موبدی به گفت و گو پرداختیم. موبد به من گفت فکر می‌کند چون همه ایرانیان قبل از چیرگی اعراب زرتشتی بودند به تدریج مسلمان شده‌اند، پس بدون تردید در نظر مسلمانان ایرانی، زرتشتیان از احترام خاصی برخوردار هستند و شرایط زندگی آنها باید در ایران خوب باشد. موبد مایل بود در این باره و درباره ایران بیشتر با من به گفت و گو بپردازیم و من هم تمایل داشتم از نظرات او آگاه شوم، ولی قافله ما در شرف حرکت بود و باید به طرف سنجان می‌رفتیم. ناچار سرم را به نشانه‌ی تاکید تکان دادم و با او خداحافظی کردم.

۱۰۰۰ سال می‌رسد. شب هنگام در کوچه‌های شهر قدم زدیم و به طرف ساحل دریا رفتیم، ساحلی بسیار آرام و تمیز و خیال انگیز، در کنار ساحل خانه‌های کوچک، زیبا و تمیزی مشاهده می‌شود که بیش تر آنها مربوط به پارسیان است. هنگام برگشت، با چند خانواده از پارسیان به گفت و گو پرداختیم. آنها درباره مسافرت اجباری آبا و اجدادشان به هندوستان صحبت کردند. یکی از پارسیان به من گفت او بسیار مایل است به ایران بیاید و از تخت جمشید و کوه دماوند دیدن کند. پارسیان تخت جمشید را نشان تمدن و بزرگی ایران در گذشته می‌دانند، همچنین کوه دماوند در نظر پارسیان بسیار مقدس است و به عنوان زیارتگاه تلقی می‌شود، چون کوه دماوند آنها را با گذشته‌هایشان، با مهاجرت اجباریشان از خطه شمال پیوند می‌زند.

از اودواره به نوساری حرکت کردیم. فاصله اودواره و نوساری با ماشین حدود ۲ ساعت است. از کوچه های تنگی گذشتیم که مملو از جمعیت، ریکشا و گاو بود، زن ها لباس‌های محلی بسیار زیبا و خوش رنگ به تن داشتند. اطراف آتشکده‌ی نوساری شبیه به اودواره خانه‌های بسیاری را دیدیم که متعلق به پارسیان بود. در آتشکده عکس‌هایی به چشم می‌خورد که مربوط به موبدان و افراد خیر پارسی بود. تعداد کثیری از زرتشتیان ایرانی هنگام مهاجرت از ایران در این جا ساکن شدند و به مناسبت این که از شهر ساری ایران آمده بودند، آن را نوساری خواندند و تا به امروز این شهر به این اسم معروف است.

بعد از اینکه از ستون همazor دیدن کردیم و به زیارت آتشکده نو بنیاد سنجان رفتیم، عزم سفر به جانب بمبئی نمودیم. در طول راه جنگل‌های انبوه، مراتع برنج، گله‌های بسیار بزرگ گاو، دسته‌های کوچک و بزرگ زنان و مردان با لباس‌های محلی رنگارنگ، گروه‌هایی از زنان و دختران که ظرف‌های آب را روی سر دارند و به روستای کناری انتقال می‌دهد، گاوگردهایی که آب نیشکر را می‌گرفتند و می‌فروختند، رفت و آمد وسایل نقلیه و انبوه جمعیت حتی در طول مسیر دهکده‌ها، نظر بیننده را به خود جلب می‌کند.

در هندوستان رسم است که فاصله‌ها را برحسب ساعت رانندگی بیان می‌کنند. شاید به دو دلیل نسبت شلوغی جاده‌های مختلف بیان بر حسب ساعت محسوس تر باشد. ما که ساعت ۱۱ صبح از سنجان به جانب بمبئی حرکت کردیم در ساعت ۴ بعد از ظهر یعنی ۵ ساعته به بمبئی رسیدیم. بعد از اسکان در هتلی در بمبئی روز بعد به طرف

ماتران (Matheran) و ایالت گوا (Goa) رفتیم.

سفر از بمبئی به ماتران (Matheran) و ایالت گواماتران دهکده‌ای کوهستانی در دل جنگل طبیعی است، ارتفاع ماتران با سطح دریا ۸۰۳ متر است. ما ابتدا از ایستگاه دادار (Dadar) بمبئی با قطار به شهر نرال (Neral) رفتیم و از آنجا با تاکسی به دامنه تپه ماتران رسیدیم و حال باید به وسیله ریکشای دستی به ماتران می‌رفتیم. ریکشای دستی کالسکه‌ای است که به وسیله یک نفر کشیده و در صورت لزوم به وسیله دو نفر هول داده می‌شود. ما که ۱۷ نفر بودیم هرکدام یک ریکشا کرایه کردیم و از وسط انبوه جنگل گذشتیم تا به هتل برایست لند (Brithland) که متعلق به یک پارسی است رسیدیم. هتلی با استخر و کلیه تجهیزات مدرن، در طول مسیر و در محل هتل در لابالای درخت‌های جنگلی شاهد حضور میمون‌ها بودیم که این طرف و آن طرف می‌پریدند. راهنمایی به ما گفت مواظب کیف دستی خودمان باشیم که میمون‌ها

سنجان اولین شهری است که در ایالت گجرات که زرتشتیان ایران بعد از سفر تاریخی‌شان به آنجا رسیدند و اولین گردهمایی (همایش) زرتشتیان مهاجر در این محل انجام گرفت. به یادبود این همایش، ستونی به طول ۸ متر در سنجان ایجاد شده که آتش مقدس به صورت نمادین روی آن فروزان است و به آن آتش همazor یا آتش همبستگی گویند.

در سنجان آتشکده‌هایی نیز به همت «دستور جی کوکادارو» ساخته شده و زرتشتیان و پارسیان از دیگر نقاط هندوستان و جهان به این جا آمده و خاطره ورودشان را به هندوستان گرامی می‌دارند. به طوری که قبل از این گفته شد، پیش تر پارسیان از هندوستان از درجه‌های بالای علمی برخوردارند و در بیشتر مراکز دولتی نیز اعتبار بالایی دارند. دور از انصاف است، اگر همه موفقیت پارسیان را به پای تیزهوشی و کارایی آنها بگذاریم و سهم مردم هندوستان را در مهمان نوازی و پذیرش مهاجران زرتشتی نادیده بگیریم.

در هندوستان هیچگونه پیش شرطی برای احراز پست‌های مهم دولتی وجود ندارد. هر فرد می‌تواند خود را کاندید کند. حال این فرد، زن، مرد، سیاه، سفید، هندو، مسلمان، پارسی و یا مسیحی باشد، ملاک رای مردم است. سر فیروزشاه مهتا یکی از پارسیان است که در دهه گذشته با رای اکثریت به مقام شهرداری بمبئی انتخاب شد و منشا خدماتی شد، به طوری که مجسمه او جلو شهرداری بمبئی نصب است و یکی از خیابانهای بزرگ شهر نیز به نام اوست.

ریشه این همه تحمل و احترام به حقوق دیگران را می‌توان در مذهب هندو جستجو کرد. اعتقاد به عدم خشونت (Ahimsa) تناسخ (Samsara) کارنامه زندگی (Karma) و قانون ابدی حاکم بر کائنات (Darma) مجموعه‌ای را ایجاد می‌کند که در آن «حقوق بشر» در بالاترین سطح رعایت می‌شود.

فاصله ژامی پتی تا ایالت گوا ۴۵۰ کیلومتر است ولی به دلیل شلوغی کل مسیر، این فاصله را ده ساعته پیمودیم. در هندوستان به طور کلی در همه جاده‌ها به دلیل جمعیت بالا، رفت و آمد سنگین است. به پنجیم (Panjim) مرکز ایالت گوا رسیدیم. ایالت گوا توریستی است و به طور ممتد تورهایی از اروپا و دیگر کشورها به این جا می‌آیند، علاوه بر آن گواه بهشت هیپی‌های کشورهای غربی است.

غروب آفتاب در دریا، ساحل‌های متعدد و طولانی، دهکده‌هایی از در پشت درختان نارگیل خودنمایی می‌کنند، مراتع سرسبز برنج، مناظر زیبا و افسانه‌ای را ذهن تداعی می‌کند. علاوه بر آن گوا، مرکز صنایع دستی می‌باشد، دکه‌ها، دست فروش‌ها و مغازه‌ها پر از انواع کارهای دستی چوبی، سنگی و زیورآلات می‌باشد، که اکثر آنها ساخت کشمیر می‌باشند.

در گوا هنوز آثار زمان استعمار به خوبی دیده می‌شود، کلیساهای متعدد، هندوهای فقیری که در زمان استعمار مسیحی شده‌اند، موزه‌هایی که در آنها مجسمه‌ها و عکس‌های شهرداران، شاعران و .. پرتقالی مشاهده می‌شود و از همه شگفت انگیزتر اینکه ایالت گوا تا سال ۱۹۶۱ میلادی حکمران پرتقالی داشته، در حالیکه هندوستان در سال ۱۹۴۷ به استقلال دست یافت.

سیر و سفر به پایان رسید، بایستی به بمبئی برمی‌گشتیم و از آنجا به جانب ایران روانه می‌شدیم. برای من این سفر نه تنها جالب بود بلکه آموزنده نیز بود. من یادگرفتم که می‌توان و بایستی به انسان احترام گذاشت، من یاد گرفتم که فقط در سایه همبستگی همه اقشار مردم می‌توان بر مشکلات فائق آمد و این ممکن نیست مگر اینکه همه مردم صرف‌نظر از رنگ پوست، نژاد و دین در برابر قانون یکسان باشند. من به چشم خود دیدم و آموختم که می‌شود در کشوری هزاران مذهب وجود داشت، ولی همه آنها از آزادی یکسان برخوردار باشند.

نقاپند. زمانی که ما از بمبئی تا ماتران به وسیله قطار، تاکسی و ریکشا طی مسیر کردیم، حدود ۳ ساعت شد. ما دوشب در ماتران به سر بردیم، در راه‌های جنگلی قدم زدیم، از میمون‌ها عکس گرفتیم و از بازار محلی آن زینت آلات و کارهای دستی خریدیم. رفتار مردم ماتران و به طور کلی رفتار تمامی مردم هندوستان با ما خودمانی و صمیمی بود. در طول سفرم، موردی را سراغ ندارم، که کسی ناراحت و یا عصبی شده باشد، به نظرم می‌رسد همه مردم با یوگا (Yoga) و فلسفه تفکر (meditation) آشنا باشند. از ماتران این دفعه با قطار محلی به پایین تپه آمدیم، به دهکده‌ای به نام ژامی پتی (Jammepeti) و از آنجا با اتوبوس به جانب گواه حرکت کردیم. ژامی پتی دهکده‌ای کوچک و کوهستانی است که اهالی آن از آب لوله‌کشی برخوردار نیستند و از آب انبار ده استفاده می‌کنند. در این دهکده چند مطلب توجه مرا به خود جلب کرد، یکی وضعیت توالت و دستشویی دهکده بود که در عین سادگی بسیار تمیز می‌نمود. دوم اینکه زنانی را مشاهده کردم که از آب انباری که در این دهکده تعبیه شده، آب می‌بردند. آنها قبل از اینکه ظروف آب فلزی را پراز آب کنند و روی سرشان بگذارند، ظروف را با شن می‌ساییدند و شستشو می‌دادند، آنها حتا پشت ظروف را به طریقی با شن مالش می‌دادند که از دور هم برق می‌زد. سوم اینکه در آن طرف جاده گروهی از زنان محلی مشاهده می‌شد که از دل جنگل بیرون می‌آمدند، در حالی که همه آنها مقدار زیادی چوب روی سرشان بود، من که دلداهه چنین صحنه‌هایی هستم، سراسیمه به طرف آنها دویدم، تا عکسی بگیرم، که متأسفانه فیلم به آخر رسیده بود. آنها با بار سنگینی که روی سر داشتند تحمل کردند تا من فیلم را در دوربین بگذارم از آنها عکس بگیرم.

پس از این که حدود نیم ساعت در این دهکده ماندیم، اتوبوس از راه رسید و ما سوار شده و به جانب گوا حرکت کردیم.

درسی پنج: دوا درمون شوا ک تا خوب وِ بوت.

درس پنج: باید درمان کند تا خوب شود.

Dars-ī penḡ: devā darmūn ševā ka tā hūb vebūt

روجکانیک. م هومن.

rūḡkāniyak. me

Hūman-e. če ṭavri?

Human: Hello, good day. I am Human. How are you?

هومن: آلو،

چطوری؟

Hūman: alū,

هومن: آلو، روز بخیر. من هومن هستم. خوبی؟

بمن: روجکانیک هومن. بد نی. ت چینی؟

Bamen: rūḡkāniyak Hūman. bad neye. to činī?

Bahman: Good day, Human. Not too bad. And how are you?

بهمن: روز بخیر هومن. بد نیستم. تو چطوری؟

هومن: خوب. از چاشت ت تو ی ماشین اوم دی.

Hūman: hūb-e. eze čāšt to-ro tū ya māšin ūm-dī.

Human: I am okay. Yesterday at noon I saw you in a car.

هومن: خوبم. دیروز ظهر تو را در یک ماشین دیدم.

ب من: گیا؟

Bamen: koyā?

Bahman: Where?

بهمن: کجا؟

هومن: خیاوون زیریسف.

Hūman: hīyāvūn-e Zerīsf.

Human: On Zerisf Street.

هومن: خیابان زیریسف.

ب من: ها. وزیر بوی. ا دکتُر شئی.

Bamen: hā. vezīr būye. e doctor šoye.

Bahman: Oh yes. I was sick and went to the doctor.

بهمن: بله. مریض بودم. به دکتُر رفتم.

هومن: چی د سر ایند؟ درد داری؟

Hūman: čī de sar īnda? dard dārī?

Human: What happened to you? Are you in pain?

هومن: چه به سرت آمده؟ درد داری؟

بمن: ها. مچ پام بر شد.

Bamen: hā. moč-e pām bar šeda.

Bahman: Yes, I have injured my ankle.

بهمن: بله، مچ پام در رفته است.

هومن: وبخش، م ام نزونای.

Hūman: vebaḥš, me om nezūnāye
Human: I am so sorry. I did not know about it.

هومن: ببخش، نمیدانستم.

Bamen: še vel kā. del be fekr-oš mabū? etāyī mone?
Bahman: Forget about it. Don't think about it! Are you going to come here?

بَمَن: ش ول کا. دل ب فکرش مبو! اتایی مَن؟
بهمَن: فراموشش کن. بهش فکر نکن. اینجا میایی؟
هومن: اتای. اتون ب رات چمی بیار؟

Hūman: etāye. etūne berāt čomī biyāre?
Human: I am coming. May I bring you something?

هومن: می-آیم. میتوانم برایت چیزی بیاورم؟
بَمَن: کماچ بیار اگه زحمتت نبوت.

Bamen: Komāč biyār age zahmat-ot nabūte.
Bahman: Bring some "komāč" with you, if it is no trouble.

بهمَن: کماچ بیاور اگر زحمتی نیست.
هومن: زحمتی نه. خَش بی.

Hūman: zaḥmatī na-ha. ḥaš bī.
Human: No trouble. Good-bye.

زحمتی نیست. خوش باشی.
بَمَن: خَش بی. تَر اوین.

Bamen: ḥaš bī. to-ro evīne.
Bahman: Good-bye. See you!

بهمَن: خوش باشی. میبینمت.

bālčam
"eyelid"

goš
"ear"

koft
"cheek"

pūz
"nose"

te
"mouth"

dendūn
"tooth"

laov "lip"

Čona
"chin"

gerī
"neck"

golī
"throat"

بالچم

"پلک"
گش

"گوش"
گفت

"لب، گونه"
پوز

"دماغ، بینی"
ت

"دهان"
دندون

"دندان"
ل او

"لب"
چن

"چانه"
گری

"گردن"
گلی

"گلو"

Vāḡe

endūm-e me
"my body"

astū
"bone"

hīn
"blood"

rī, sīrat
"face"

kala
"head"

Čam
"eye"

abrū
"eyebrow"

moža
"eyelash"

واج

واژه
اندوم م

"بدن من"
استو

"استخوان"
خین

"خون"
ری، سیرت

"صورت"
گل

"سر"
چم

"چشم"
ابرو

"ابرو"
مژ

"مژه"

rūda "bowel, intestine"	رود	dašt "hand"	دشت
qūzak "ankle"	"روده" قوزک	bāzū "arm"	"دست" بازو
zūnī "knee"	"قوزک" زونی	naūn "fingernail"	"بازو" ن اُون
pā "foot"	"زانو" پا	šast "thumb"	"ناخن انگشت" شست
ašk "tear"	"پا"	kevešt "nail"	"شست" کِوشت
ašk "tear"	اشک	eškem "stomach"	"ناخن" اِشکِم
qolva "kidney"	"اشک" قلو	nāfk, nāf "navel"	"شکم" نافک، ناف
kemar "waist, back"	"کلیه" کمر	pop "lung"	"ناف" پُپ
پیوست فایل شنیداری این نوشتار در تارنماهای ماهنامه اشا به آدرس: در تلگرام https://t.me/anjomanzk/9 و در واتس اپ https://chat.whatsapp.com/JPYyDvdGtx8LR2hYmQ2jKf در دسترس است.		rok "blood vessel"	"شش، ریه" رُک
		Ġaqar "liver"	"رگ" جَ قَر
			"چگر"

قدیمی ترین و اولین مکتب‌خانه زرتشتیان کرمان، در اوایل حکومت قاجار، توسط ملاگشتاسب فرزند بهمن راه‌اندازی شد. ملاگشتاسب در نجوم و ریاضی بسیار دانا بود. در کتاب تاریخ کرمان که بصورت نسخه خطی در هندوستان نگهداری می‌شود اینگونه ذکر شده که ملاگشتاسب در زمان محاصره کرمان، داخل شهر بود و لطفعلیخان از او خواست تا ادامه محاصره را پیشگویی کند و ملاگشتاسب پیروزی قاجارها بر زندیه را پیشگویی کرد و پس از ورود آقا محمدخان قاجار به شهر، ملاگشتاسب مورد توجه آقا محمدخان قرار گرفت و از طرف پادشاه به او پاداش داده شد. ملاگشتاسب و پسرانش، ملا اسکندر و ملا بهروز و فرزندانشان از منجمان معروف کرمان بودند.

دو مکتب‌خانه دیگر توسط ملا بهمن و ملا اسکندر در زمان ابراهیم خان ظهیرالدوله فعال شدند که تعداد دانش آموزان این مکتب‌خانه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ نفر بود و معمولاً روی پوست می‌نشستند، و برای تنبیه کردن دانش آموزان از چوب و فلک استفاده می‌شد. بعد از آن ملا ظهرا و ملا رستم و ملا بهروز مکتب‌خانه‌های دیگری راه‌اندازی کردند.

ملا بهروز، زیر دست پدر خود ملاگشتاسب، ریاضی و نجوم و زیج* را یاد گرفت و بعد از فوت پدر، کار استخراج تقویم را انجام می‌داد. ملا بهروز در زمان حکمرانی غلامحسین خان سپهدار، مکتب‌خانه خود را برپا کرد و زمانیکه حاکم کرمان از استعداد و قابلیت‌های او آگاه شد، برایش مستمری در نظر گرفت. پس از اینکه مانکجی هاتریا به کرمان آمد و با ملا بهروز و تخصص او در نجوم و تقویم آشنا شد، از او خواهش کرد تا رساله‌ای برای کبیسه‌گیری تقویم زرتشتی بنویسد و این رساله در تاریخ ۱۲۴۵ خورشیدی نوشته شد

در اوایل دوره قاجار، اغلب مردم ایران از داشتن سواد محروم بودند و کرمان نیز از این روند جدا نبود و مدرسه‌ای برای آموزش وجود نداشت، آموزش فقط در مکتب‌خانه‌ها و مدارس دینی انجام می‌شد و آن هم اکثراً شنیداری بود، محصلین در مکتب‌خانه‌ها خواندن و نوشتن و درس‌های دینی را می‌آموختند و آنهایی که علاقه به آموزش بیشتری داشتند و از توانایی مالی برخوردار بودند به شهرهای بزرگتر که مکتب‌خانه‌های معتبری داشت می‌رفتند. در این زمان حق تحصیل با پسران بود و درس خواندن برای دختران جایز و پسندیده نبود.

تعداد مکتب‌خانه‌های مسلمانان شهر کرمان، پانزده الی بیست باب بود که در هر کدام حدود بیست نفر نوجوان ۱۰ تا ۲۰ ساله تحصیل می‌کردند و هر کدام ماهیانه شهریه‌ای را به صورت نقدی یا غیر نقدی به معلمین خود می‌پرداختند. تعدادی از معلمین این مکتب‌خانه‌ها عبارت بودند از: ملا احمد، شیخ محمد قبه‌سبزی، شیخ جواد محله‌شهری و ...، که هر کدام در یک محله به تدریس مشغول بودند. در بعضی از این مکتب‌خانه‌ها، علاوه بر خواندن و نوشتن و درس دینی، صرف و نحو عربی، گلستان سعدی و دیوان حافظ هم تدریس می‌شد. زرتشتیان شهر کرمان نیز، دارای چندین مکتب‌خانه بودند که در محله‌های خودشان دایر بود. در این زمان، محله جدید زرتشتیان (آتشکده فعلی و خیابان ایرانشهر) هنوز احداث نشده بود و مکتب‌خانه‌ها در محله‌های دیگر و مهمترین آن در کنار آتشکده محله شهر قرار داشت. تعدادی هم، خارج از حصار شهر و در محله‌های فریزن، پرموتن، سرآسیاب و روستاهای قناتغستان و جوپار فعال بود.

سایر شهرها توسط مانکجی به مدرسه مزدیسنان فرستاده شد و پس از فارغ التحصیلی به کرمان برگشت و در سال ۱۲۵۰ خورشیدی، اولین مکتب‌خانه زرتشتیان کرمان را با اسلوبی جدید راه اندازی کرد. میرزا افلاطون در کرمان شهرت خاصی به دست آورد و مورد توجه نصرت الدوله و پسرش ناصرالدوله قرار گرفت. در این مکتب‌خانه، ریاضی و تاریخ و زبان گجراتی و انگلیسی و همچنین شعرخوانی تدریس می‌شد. میرزا افلاطون برای اولین بار، در سال ۱۲۶۴ برای تدریس دانش آموزان کتابی تالیف کرد و نام آن را اقبال ناصری گذاشت. در مکتب‌خانه ملا افلاطون عده‌ای از جوانان مسلمان نیز تحصیل می‌کردند.

مدت تحصیل در مکتب‌خانه‌های قدیم برای کسانی که مایل به آموختن حساب و خواندن و نوشتن بودند یک سال و برای کسانی که فقط مایل به آموختن حساب بودند شش ماه تعیین شده بود، اما به زنان در ابتدا فقط خواندن را آموزش می‌دادند. دانش آموزان در مکتب‌خانه‌های قدیم شهریه پرداخت می‌کردند اما در مکتب‌خانه‌های جدید نه تنها شهریه نمی‌پرداختند، بلکه به خانواده آنها نیز کمک هزینه پرداخت می‌شد. در مکتب‌خانه‌های قدیم، قلم و دفتر نبود اما در مکتب‌خانه‌های جدید دفتر و کتاب و میز و نیمکت و تخته سیاه وجود داشت و روش های تدریس تغییر کرده بود.

از سال ۱۲۷۱ خورشیدی و با ورود میرزا کیخسرو (ارباب کیخسروشاهرخ) از بمبئی به کرمان این سیستم آموزشی دگرگون شد که در شماره‌های بعدی ماهنامه اشا در این مورد توضیح داده خواهد شد.

✍️ آرش ضیاتبیری

و اکنون در موسسه شرق شناسی کاما در بمبئی نگهداری می‌شود. ملابهورز همچنین در زمان وکیل الملک حکمران کرمان مورد توجه قرار گرفت و ایشان یکدست روپوش (جبه) به ملابهورز هدیه داد و مانکجی هاتریا در مراسمی ضمن خوشحالی با دست خودش لباس را برتن ملابهورز پوشاند و همگی باشندگان مبارک باد گفتند.

همزمان با مکتب‌خانه ملا بهروز، دو مکتب‌خانه دیگر توسط ملا ظهراب و ملا رستم نیز کار آموزش را به عهده داشتند و مانکجی هاتریا از آنها خواست تا برای تشویق دانش آموزان، از شاگردان امتحان بگیرند و به رتبه‌های اول تا چهارم پول هدیه بدهند. بنابراین در مکتب‌خانه ملارستم به چهار نفر یک تومان و در مکتب‌خانه ملا بهروز به سه نفر شش قران و در مکتب‌خانه ملا ظهراب به هشت نفر نوزده قران انعام داده شد.

*(زیچ و اسطربلاب دو وسیله معروف ستاره شناسان قدیم بودند که برای هرکدام دانش خاصی لازم بود. زیچ جدولی بود که برای حرکت ستارگان استفاده می‌شد و اسطربلاب برای تعیین زمان و مکان ستارگان در آسمان کاربرد داشت.)

آخرین مکتب‌خانه به سبک قدیم در کرمان توسط ملا شاهرخ مدیریت می‌شد اما پس از آن و با تلاش مانکجی هاتریا این سیستم آموزشی تغییر کرد و اصطلاحا مکتب‌خانه‌ها به سبک جدید پدیدار گشت و اولین آن در زمان حکمرانی نصرت الدوله و به مدیریت میرزا افلاطون در کرمان راه اندازی شد. میرزا افلاطون پسر ملا اسکندر که به افسر شهرت داشت، از شاگردان مدرسه شبانه روزی مزدیسنان در تهران بود که در سال ۱۲۴۴ خورشیدی به اتفاق ۱۱ نفر از جوانان زرتشتی کرمان و

سلامت روان

امروزه وجود مشکلات فردی و اجتماعی باعث شده است که همه کم و بیش با احساسات منفی در زندگی خود روبرو شوند. اما برخی افراد توانایی ایجاد تعادل در جنبه های مختلف زندگی خود را دارند ولی برخی دیگر چنان در مقابل مشکلات سر خم می کنند که زندگیشان در آستانه فروپاشی قرار می گیرد. در همین راستا سبک زندگی افراد شامل مجموعه ای از عادات و رفتارهای روزمره، به طور مستقیم بر سلامت جسم و روان تاثیر می گذارد.

در بیشتر مواقع سلامت جسم در خانواده ها در اولویت قرار می گیرد اما برای داشتن زندگی سالم باید به سلامت روان افراد هم توجه نمود که وضعیت کلی آنها از جنبه های عاطفی، روانی و اجتماعی و حفظ و بهبود جنبه های مثبت زندگی است. سلامت روان درست به اندازه سلامت جسمی اهمیت دارد. این موضوع باعث می شود تا افراد بتوانند احساسات خود را درک و مدیریت کنند و در جامعه مشارکت داشته باشند. سلامت روان ضعیف می تواند منجر به بروز مشکلات زیادی از جمله افسردگی، اضطراب و سوء مصرف مواد شود.

با تغییرات عمده در سبک زندگی مدرن، از جمله استفاده بیش از حد از فناوری، تغذیه ناسالم و کاهش فعالیت بدنی، چالش های مرتبط با سلامت روان به طور چشمگیری افزایش یافته اند.

راه های زیادی بر روی سلامت روان افراد تاثیر میگذارد که میتوان با تجربه به آنها دست پیدا کرد ولی به طور کلی موارد زیر میتواند به اغلب افراد کمک کند تا زندگی سالم تری داشته باشند:

۱- داشتن خواب منظم و کافی

خواب یکی از ارکان اصلی سلامت روان و جسم است. خواب کافی و باکیفیت می تواند تاثیر چشمگیری بر سلامت عاطفی و مقاومت در برابر استرس داشته باشد.

۲- داشتن تغذیه مناسب و سالم

منظور کالری شماری نیست. مصرف مواد مغذی بیشتر مثل ویتامین ها و چربی های مفید مدنظر است. برای مثال غذاهای غنی از اسیدفولیک مانند اسفناج و امگا ۳ می توانند استرس را کاهش دهند.

۳- داشتن فعالیت بدنی

فعالیت بدنی یک راه موثر در مدیریت افسردگی است. لازم نیست حتما باشگاه رفت، حتی یک پیاده روی کوچک هم کمک می کند.

۴- طبیعت گردی و استفاده از نور خورشید

نور آفتاب می تواند باعث آرامش بیشتر و خواب با کیفیت تر شود.

۵- وقت گذراندن با دوستان و آشنایان

ارتباط با دیگران و برقراری روابط سالم می تواند به ایجاد احساس تعلق و ارزشمندی در افراد کمک کند.

تاثیر بگذارند، خارج از کنترل ما هستند، اما می‌توان با اضافه کردن عادات مفید، سلامتی روح و روانمان را افزایش داده و آرامش و حال خوب را به خودمان هدیه بدهیم. اگر بیشتر اوقات احساس خوشحالی، رضایت از زندگی و ارتباط مثبت با دیگران داریم و نیز توانایی مدیریت استرس و چالش‌های روزمره را هم داریم، این نشانه‌های خوبی از سلامت روانی ما می‌باشد.

فرشید خسروپور

شغل ما بخشی از شخصیتمان را شکل می‌دهد و نقش مهمی در کیفیت خلق و خوی ما دارد.

اگر نگرش ما به شغل صرفاً جایی برای پول‌درآوردن برای رفع نیازهای اولیه باشد، چه‌بسا دیر یا زود دچار احساس ناامیدی و بی‌اعتنایی نسبت به شغلمان بشویم. بیایید با این دید به شغل بنگریم: شغل ما جایی است که می‌توانیم به دیگران کمک کنیم. ما با کارکردن ارزش افزوده برای خود و دیگران ایجاد می‌کنیم. حس ارزشمندی اجتماعی، نقش مهمی در پیشگیری از ایجاد فرسودگی شغلی ایفا می‌کند.

۶- اختصاص وقت کمتر به فضای مجازی

افرادی که وقت زیادی در فضای مجازی می‌گذرانند، ذهنشان بطور مداوم درگیر اتفاقات زندگی افراد دیگر است و خودشان را با آنها مقایسه می‌کنند و به مرور احساس بی‌ارزشی می‌کنند و احساس افسردگی و اضطراب در آنها افزایش می‌یابد.

۷- بخشنده بودن

بخشنده بودن هم از نظر مالی و هم معنوی می‌تواند کمک شایان توجهی به ایجاد احساسات مثبت و تقویت ارتباطات بکند. گاهی فقط یک لبخند در دنیا تفاوت ایجاد می‌کند

۸- مهربان بودن با خود

افراد باید بتوانند به خودشان اجازه بروز احساسات را بدهند و اشتباهات خود را ببخشند. آنچه اهمیت دارد این است که فرد تمام تلاش خودش را می‌کند.

۹- برنامه ریزی برای آینده

در لحظات سختی که افراد احساس ناامیدی می‌کنند، امید به آینده می‌تواند انگیزه و روحیه فرد را برای ادامه دادن افزایش دهد و وی را از روزمرگی نجات دهد.

۱۰- استراحت کردن

نیاز نیست از تمام لحظات زندگی استفاده مفید کرد. گاهی باید فقط استراحت کرد. افراط و تفریط در هر دو مورد می‌تواند آسیب زننده باشد.

۱۱- در صورت نیاز کمک گرفتن

تحمل مشکلات روانی به تنهایی می‌تواند طاقت فرسا باشد. اگر فرد با مشکلات سلامت روان دست و پنجه نرم می‌کند، باید از یک متخصص سلامت روان کمک بگیرد. و در نهایت بعضی از عواملی که می‌توانند بر سلامت روان

که زنگ ورزش را به تجربه‌ای متفاوت بدل کرد. در زمینی که اکنون باشگاه اردشیر همتی جای گرفته، با او والیبال می‌آموختیم. باشگاه در آن زمان دیوار و در نداشت و زمین خاکی‌اش تنها بهانه‌ای بود برای شور بازی ما. در خانه نیز با خواهرم ایراندخت، گاهی میز ناهارخوری را به میدان بازی بدل می‌کردیم و با تکه‌های آجر، پینگ‌پنگی کودکانه اما پرشور را تجربه می‌کردیم؛ تجربه‌هایی که شاید ساده می‌نمود اما بذر علاقه‌ای عمیق به ورزش را در دل ما کاشت.

بخش ۲: نوجوانی و آغاز راه حرفه‌ای

پس از پایان دبستان، وارد دبیرستان کیخسرو شاهرخ شدم. هنوز به یاد دارم بخشی از حیاط دبیرستان را آسفالت کردند و در همان‌جا، نخستین تور رسمی والیبال برپا شد. زیر نظر روانشاد سیامک کوچکی، تمرین‌های جدی‌تر والیبال را با گروهی از هم‌مدرسه‌ای‌ها آغاز کردیم. آن روزها تنها سه دبیرستان دخترانه در کرمان وجود داشت: کیخسرو شاهرخ، بهمنیار و عصمتیه. مسابقات بین این مدارس برگزار می‌شد و بیشتر اوقات، تیم ما از دبیرستان کیخسرو شاهرخ، مقام نخست را از آن خود می‌کرد. در آن دوران، ورزش دختران نه تنها جدی گرفته نمی‌شد، که حتی در نگاه بسیاری از خانواده‌ها، حضوری ناپسند به شمار می‌رفت. بیشتر دختران، پس از پایان تحصیل یا ازدواج، ورزش را کنار می‌گذاشتند. اما برای من والیبال تنها یک فعالیت فیزیکی نبود؛ شوقی درونی و عشقی بی‌پایان بود. ساعت‌ها به تماشای مسابقات والیبال از تلویزیون سیاه و سفید و بعدها رنگی می‌نشستم و از نوع امتیازگیری تا تکنیک‌های بازی، همه را با دقت دنبال می‌کردم.

تاج شهریاری بانویی که با والیبال ایستادگی آموخت در روزی که به پاس دهه‌ها تلاش و افتخارآفرینی از تاج شهریاری، پیشکسوت خوش‌نام والیبال کرمان سپاس‌داری شد، بانویی با قامتی بلند، استوار و باوقار به سالن بهارستان قدم گذاشت؛ حضوری که از همان آغاز، چشم‌ها را به احترام واداشت. تاج خانم با چهره‌ای آرام ولی مصمم، گویی همچنان در میدان رقابت حضور دارد؛ بانویی که نه تنها در زمین والیبال، که در زندگی نیز قامتش را خم نکرده است. او با اندامی ورزشکاری و نگاهی نافذ، در میان ستایشگرانش ایستاده بود؛ نمونه‌ای از نسلی که با پشتکار، جسارت و عشق به ورزش، راه را برای دختران امروز هموار ساخت.

در ادامه از زبان خودش می‌شنویم:

بخش ۱: آغاز زندگی

من، تاج شهریاری، در بیستم مهرماه سال ۱۳۱۸ در شهر کرمان و در خانواده‌ای زرتشتی چشم به جهان گشودم. پدرم دینیار شهریاری و مادرم فرخنده فروهری بودند. از میان چهار فرزند خانواده، دو خواهر و یک برادر دارم. کودکی‌ام در سایه دشواری‌های معیشتی و تنگناهای آن روزگار گذشت؛ زمانه‌ای که هم‌زمان با تحصیل، ناگزیر به کار کردن بودیم و مانند بسیاری از هم‌نسلان خود، «اوستا» رفتن بخشی از زندگی‌مان بود. مادرم، زنی استوار و خردمند، ما را چنان پرورش داد که فقر را ننگ ندانیم و شرافتمندانه با سختی‌ها روبه‌رو شویم.

در هفت‌سالگی پا به دبستان شهریاری گذاشتم. درس خواندن در آن زمان ساده نبود؛ حتی گاه در مسیر مدرسه از سوی برخی عابران آزار می‌دیدیم. در میان آموزگاران آن روزگار، بانویی بزرگوار به نام روانشاد منیژه شاه‌بهرامی بود

سن گذاشته تفریحشان شده بود تماشا یا شرکت در برنامه‌هایی که در رده‌های مختلف ورزشی برگزار می‌شد. با گسترش فعالیت‌ها، تصمیم گرفتیم با تیم‌هایی غیر از زرتشتیان نیز به رقابت بپردازیم تا نقاط قوت و ضعف خود را بهتر بشناسیم. بازی‌های مشترک با دیگر باشگاه‌های کرمان، سطح فنی بازیکنان زرتشتی را ارتقا بخشید و تیم کرمان را به یکی از قدرت‌های جام‌های زرتشتی بدل کرد.

به گونه ای که تیم کرمان در جام های داخلی زرتشتیان از تیم های مطرح و قدرتمند محسوب می شد. البته لازم به ذکر است که چه در تیم های زرتشتیان و چه در تیم های ترکیبی با غیر همکیشان، من همیشه به عنوان مسن ترین بازیکن معرفی می شدم و با علاقه از همراهی جوانتر ها در مسابقات احساس سرزندگی داشتم. البته طبیعی است که با توجه به تجربه‌هایی که داشتم و سن و سال بالاتر من همیشه سعی می‌کردم تا جوانترها را از دلخوری‌ها و برخوردهای اشتباهی که اجتناب ناپذیر بود فراتر برده و فضای همدلی و صمیمیت را غالب بر اتفاقات ناخوشایند کنم. نمی‌دانم تا چه حد تاثیرگذار بود ولی دیده بودم که تیم‌های غیر همکیش همیشه حال خوب بچه های تیم زرتشتیان را تحسین می‌کنند و ترجیح می‌دادند شرایطی فراهم شود تا بتوانند در جمع تیم‌های زرتشتیان بازی داشته باشند. تیم های والیبال دختران و پیشکسوتان از بازی کردن تنها حس رقابت نداشتند که حس «با هم بازی کردن و در کنار هم بودن» از زیبایی های آن روزها و آن بازی ها شده بود.

در تمام این مسیر، من، مسن ترین عضو تیم، کوشیدم تا حلقه اتصال نسل‌ها باشم؛ جوان‌ترها را در آغوش همدلی نگاه‌دارم و از تجربه‌هایم پلی بسازم برای گذر از رنجش‌ها.

گرچه امکانات ورزشی محدود بود، اما اشتیاق ما پایان‌ناپذیر بود. گاهی در پیک‌نیک‌های خانوادگی، حیاط خانه یا گردهمایی‌های دوستانه، والیبال جان تازه‌ای می‌گرفت و شوق درونم را زنده نگه می‌داشت.

بخش ۳: شکوفایی در باشگاه اردشیر همتی

با گذشت زمان، باشگاه اردشیر همتی بستری مناسب برای گسترش ورزش در رده‌های سنی مختلف فراهم ساخت. با یاری کسانی چون بانو فرشته کوچکی، نخستین گام‌های جدی برای تشکیل تیم والیبال بانوان زرتشتی برداشته شد. در این میان، دخترم مهرزاد بختیاری و نوه‌هایم لیندا و مهرشاد بختیاری نیز راه مرا ادامه دادند و در جام‌های زرتشتیان حضور فعال یافتند.

این دوره، از پرشورترین زمان‌های والیبال جامعه زرتشتی کرمان بود؛ سالن باشگاه، محل گردهمایی‌های خانوادگی و دوستانه شد و بازی‌ها، از رقابت فراتر رفت و به مجالی برای همدلی و همبستگی بدل گشت. این فضا، جوان و پیر را در کنار هم نشاند و باعث شد حتی تماشاچیان، مشتاق شرکت در این شور جمعی شوند.

افزون بر تمرینات تیمی، بسیاری از مواقع سالن باشگاه اردشیر همتی بطور خانوادگی و دوستانه برای بازی والیبال هماهنگ می شد و بازی های دوستانه باعث می شد تا حتی تماشاچیان به این بازی روی آورند و والیبال از تفریحات مورد توجه جامعه شده بود.

این جمع ها خود دلیل نزدیکی بیشتر همکیشان زرتشتی و همراهی بسیاری از خیراندیشان در توسعه امکانات ورزشی باشگاه اردشیر همتی و برنامه‌ریزی جام‌های مختلف در کرمان شده بود. اگر درست به یاد داشته باشم در آن دوران تعداد خیلی بیشتری از همکیشان را در فضای باشگاه می‌دیدیم و جوانان و میانسالان و افراد پا به

سخن آخر:

ما که در روزگاری با کمترین امکانات ورزشی رشد کردیم، بیش از دیگران به ارزش باشگاه اردشیر همتی برای جامعه زرتشتی آگاهیم. این فضا، نه تنها بستری برای پرورش جسم، که پناهگاهی برای رشد روان و تقویت پیوندهای جمعی ماست و مکانی است که با استفاده از آن بتوانیم و با آرامش خاطر بیشتری، فرزندانمان را راهی دنیای پرهیاهوی امروز نماییم.

در طول تاریخ، جامعه زرتشتی با دشواری‌هایی مضاعف نسبت به سایرین روبه‌رو بوده، و دست یافتن به جایگاه فعلی، حاصل رنج‌ها، همت‌ها و خردی است که نسل به نسل به ما رسیده. امروز، در سایه تلاش‌های بی‌شمار، باشگاه اردشیر همتی یکی از مراکز فعال و شاخص ورزشی استان است و اگر توانسته ایم در بسیاری از صحنه‌های ورزشی نام‌آورانی داشته باشیم، نتیجه همان بردباری‌ها، صبوری‌ها و خردورزی‌هایی است که در طول زمان از گذشته زرتشتیان شروع شده و تا به امروز ادامه داشته است. پس شایسته است تا سپاسگزار افراد با همت، از اردشیر همتی و همسرشان تا دیگر افراد تاثیرگذار و دلسوز جامعه تا به امروز باشیم.

با قلبی سرشار از امید، آرزو دارم که این راه همچنان ادامه یابد؛ که نسل‌های آینده با تکیه بر فرهنگ و همبستگی، ورزش را ابزاری برای ماندگاری هویت خود قرار دهند و نام نیک ایرانیان زرتشتی را در جهان، همچون همیشه، سربلند نگاه دارند.

با سپاس فراوان از تاج شهرداری و خانواده بختیاری گرامی برای همکاری صمیمانه در تهیه این نوشتار

✍ آرمینا فرهنگمند

خوشحالم که حال خوب تیم ما، تحسین تیم‌های دیگر را برمی‌انگیخت و برای ما، «با هم بودن» ارزشی فراتر از پیروزی داشت. در هر حال من تلاش خود را کردم تا جایی که شرایط اجازه می‌داد این همراهی در بین فرزندان جامعه ماندگار شود.

افزون بر این همه‌ی مدال‌هایی که کسب کرده‌ام را با عشق به باشگاه اردشیر همتی تقدیم کردم؛ تا یادگاری باشد از سال‌هایی که ورزش، زیستن را زیباتر ساخت.

بخش ۴: تقدیر و نگاه به آینده

در آیین تجلیل از پیشکسوتان والیبال استان کرمان، از سوی هیات والیبال کرمان به عنوان مسن‌ترین والیبال‌یست حاضر (متولد ۱۳۱۸) دعوت شدم. در کنار بازیکنان قدیمی و جوانان امروز، خاطرات سال‌های دور در ذهنم زنده شد. دیدار دوباره با دوستان قدیمی و شور دیدار با بانو مهری جهانگرد، از دیگر پیشکسوتان، لحظاتی فراموش‌نشدنی برایم رقم زد. آن شب مانند پرده‌ای از سینما، روزهای گذشته و خاطرات موفقیت‌ها، شکست‌ها و تلاش‌های دختران دیروز را برایم یادآوری کرد. چه زیبا، همه آنان که روزگاری با دنیایی از بی‌تجربگی در مسابقات کنار هم قرار می‌گرفتیم، امروز با دنیایی از تجربه اما پا به سن گذاشته در کنار هم از گذشته‌های دور یاد می‌کردیم.

آن شب، لبخندها و برق امید در چهره حاضران، گواهی بود بر قدرتی که ورزش در ما زنده نگه داشته است. اگرچه گذر عمر و دشواری‌هایی چون همه‌گیری کرونا، گاه ما را از تمرین دور ساخت، اما روحیه ورزشکاری، همچنان ما را در مسیر زندگی، مقاوم و پابرجا نگه داشت. تجربه آموخت که دعوت جوانان و میانسالان به ورزش، نه

تنها به سلامت جسم، که به آرامش جان می‌انجامد و

یاری‌گر ما در عبور از پیچ و خم‌های زندگی‌ست.

شاید اکثریت شما این عقیده را داشته باشند که میتوان اساسنامه انجمن را مطالعه نمود و احتیاج به کلاس آموزشی نیست اما اقدام به کلاس آموزشی تنها آشنایی با اساسنامه نیست بلکه میتواند آغازی بر گفتمان افراد شرکت کننده در شناخت اساسنامه، پیدا کردن عیوب و اقدام جمعی در جهت رفع نقایص اساسنامه باشد و شاید اولین قدم در افزایش مشارکت عمومی جامعه نیز تلقی گردد.

دادمهر رستمی

آیا شروع یک کار برایتان سخت است؟
حتما برای شما هم پیش آمده که انجام کاری را به تعویق بیندازید و مدام آن را نادیده بگیرید و در انتهای لیست کارهایتان بگذارید. اما تا زمانی که انجام یک کار را به تاخیر بیندازید، استرس و فشار بیشتری را تحمل خواهید کرد. حتی ممکن است بعد از مدتی اعتماد به نفس خود را از دست داده و به توانایی خود برای انجام آن شک کنید. اگر می خواهید وظایفتان را درست و کامل انجام دهید، باید به خودتان انگیزه بدهید. ایجاد انگیزه برای شروع هر کاری می تواند موتور محرکه شما در انجام آن کار باشد.

چند وقتی است که کمیون جوانان زرتشتی کرمان اقدام به کلاسهای آموزشی کرده است که بسیار قابل تحسین است

مطمنا در هر مجموعه ای مهمترین رکن آن خرد ورزی آحاد آن جامعه است

که در این زمینه جامعه زرتشتی ایران همیشه سرآمد بوده واست

خرد ورزی مثل هر شاخص دیگری در انسان احتیاج تمرین ، به روز نگه داشتن و نگهداری دارد که در این زمینه آموزش حرف اول را میزند

اقدام کمیون جوانان زرتشتی کرمان اگر با برنامه و در جهت مناسب باشد به رشد جامعه منجر میگردد که میتوان ابتدا مشکلات جامعه را مشخص کرد و بعد از آن در جهت رفع آن آموزشهای لازم را دایر نمود

مسلم است در جامعه زرتشتی کرمان کاهش مشارکت مردم در کارهای جمعی و قضاوت جامعه بر اساس شایعات از مشکلات اساسی می باشند که بایست فکری به جهت آنها کرد

تنها ارگان انتخابی جامعه یعنی انجمنهای دوره های مختلف نیز در افزایش مشارکت مردم موفق نبوده لذا ابتدا به نظر من انجمن به لحاظ ساختاری مورد توجه قرارگیرد

انجمن بر مبنای اساسنامه ای تایید شده وظایف خودش را انجام میدهد که متاسفانه کمتر به آن توجه شده است آموزشی که دران شناخت اساسنامه انجمن ، وظایف هییت مدیره انجمن و حقوق افراد جامعه در آن بیان شود میتواند جامعه را باحقوق خود و وظایف انجمن آشنا سازد و نهایتا مشارکت جامعه را حداقل در ارتباط با انجمن به سمت قانونمند ساختن هدایت کند

گزارشی از روند اتصال دوباره آب به آرامگاه زرتشتیان کرمان

در پی سال‌ها تلاش و پیگیری مستمر، جریان آب به آرامگاه زرتشتیان کرمان دوباره برقرار شد. این رخداد که با همکاری نهادهای دولتی و جامعه زرتشتی کرمان به انجام رسید، نمادی از همبستگی و دغدغه‌مندی نسبت به حفظ فضای معنوی و طبیعی این مکان مقدس است. نگاهی به پیشینه آرامگاه

به گفته دکتر آرش ضیائبری، آرامگاه زرتشتیان کرمان در سال ۱۳۱۷ خورشیدی با کوشش های ارباب کیخسروشاهرخ و با دهشمندی فریدون و سروش سروشیان پایه گذاری شد و نخستین خاکسپاری در این آرامگاه، روانشاد خداداد هرمزدی، مسئول روزنامه «همای»-«نخستین روزنامه زرتشتیان ایران» بود که در سال ۱۳۱۸ و در سن ۳۶ سالگی به علت اشتباه پزشکی درگذشت.

همزمان با آن و در مسیر دخمه گذاری، آرامگاه سهرابی هم وجود داشت که به طور خاص همکیشان قناتغستانی از آن استفاده می‌کردند.

در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ که شاه جمشید سروشیان رییس انجمن زرتشتیان کرمان بود، انجمن تصمیم گرفت که فقط از آرامگاه فعلی استفاده شود و شاه جمشید یک حبه از زمینهای ملکی خودش واقع در سعیدی را وقف بر آرامگاه کردند.

ماجرای قطع آب و تلاش برای احیای آن

بنا به گفته‌ی هموندان موسسه اردشیر همتی سال‌ها، آب آرامگاه از جریان طبیعی رودخانه تأمین می‌شد؛ اما با خشکسالی‌های پی‌درپی و سپس با تملک بخشی از مسیر رود توسط اردوگاه شهید باهنر آموزش و پرورش، آورده آب به صفر رسید.

در پی آن با تلاش رشید بختیاری و روانشاد اردشیر فروهر، آبیاری درختان با تانکر انجام گرفت. همچنین با همت موسسه خیریه اردشیر همتی، ساخت استخر ذخیره آب و اجرای سیستم آبیاری قطره‌ای انجام شد که چند سال آبیاری آرامگاه به این طریق انجام گردید.

در سال ۱۳۸۲، با سفارش آقای عطا احمدی و پیگیری آقای هوشنگ گشتاسبیان و روانشاد ایرج غیبی، نخستین درخواست رسمی از سوی انجمن زرتشتیان در جهت تخصیص حقابه آب آرامگاه به آموزش و پرورش کرمان ارسال شد.

در ادامه، از سال ۱۳۹۳ مکاتباتی با اداره منابع طبیعی، آبخیزداری و سپاه پاسداران انجام شد. با اخذ مجوزهای لازم، به کوشش آقای آریا خسروان، لوله‌گذاری در مسیری دشوار آغاز و با موفقیت به انجام رسید.

هزینه کلی این پروژه بالغ بر ۲۴۰ میلیون تومان بوده که تماماً توسط موسسه خیریه اردشیر همتی پرداخت شد. همچنین ۹ میلیون تومان از سوی نیکاندیشان جامعه زرتشتی اهدا شد.

در سالهای اخیر با تغییر مسول اردوگاه به ناگاه جریان آب لوله ورودی به آرامگاه علیرقم نداشتن مالکیت آموزش پرورش توسط وی قطع گردید این موضوع آسیب جدی به فضای سبز آرامگاه وارد کرد و شماری از درختان کهنسال خشک شدند.

در پی قطع جریان آب لوله کشی و جهت جلوگیری از وارد شدن آسیب بیشتر به درختان آرامگاه و به مدت حدود یکسال آبیاری آرامگاه توسط تانکر با هزینه گزاف که قسمتی از آن توسط دهشمندان همکیش تأمین گردید، انجام شد.

وقتی جشن سده سال گذشته به صورت محدود برگزار شد برای اینکه کسی دلیل آن را نمی دانست شایعات مختلفی بین همکیشان

و غیرهمکیشان رواج پیدا کرد که زمینه آن هم با توجه به اتفاقات زمین سده مهیا بود.

چند روز بعد انجمن زرتشتیان کرمان با بیانیه ای علت برگزار نشدن جشن سده به صورت عمومی را توضیح دادند.

که تلاش ارزشمندی بود جهت شفاف سازی افکار عمومی.

مسلماً شایعه وقتی گسترش پیدا می کند و شاخ و برگ می گیرد که گفتمان رسمی و معتبری وجود نداشته باشد.

مردم همواره مشتاق شنیدن خبری هستند که برایشان مهم است. پس چه بهتر که قبل از اینکه خبرهای غیرواقعی شیوع پیدا کند منابع خبری معتبر اخبار درست را منتشر کنند.

نزدیکترین رویداد به این مثال آسفالت جاده آرامگاه بود که تعداد زیادی نمی دانستند چرا چنین تصمیمی گرفته شده و طبیعتاً شایعات زیادی پیرامون آن شکل گرفت.

می دانیم که برای هر کار فرهنگی یا عمرانی که انجام می گیرد زحمت های زیادی کشیده می شود.

و قطعاً همه قدردان آن هستند اما در جریان گذاشتن مردم از آنچه که اتفاق می افتد تا جایی که ممکن است نه تنها از ارزش آن کم نمی کند که به آن می افزاید.

فقط با شفاف سازی می توان انرژی جامعه را از شایعه و مخالفت و دشمنی و حفظ منافع شخصی به همکاری و دلسوزی و تلاش برای منافع جمعی سوق داد.

ما مردم خیری داریم که هر جا نیاز بوده از کمک دریغ نکردند.. خیریه هایی داریم که سالهاست بدون هیچ چشمداشتی تلاش می کنند.

بودجه هایی هست که هر از چند گاهی می رسند اما مشکلات جامعه همچنان پابرجاست.

آیا نمی توان مسائل جامعه را تا آنجا که می توان گفت با مردم در میان گذاشت یا از اهل فن و کسانی که در زمینه موردنظر تجربه

دارند یا در مراکز مختلف اعتباری دارند یاری خواست؟

آیا با یک مدیریت صحیح و هماهنگی درست و واقعی این آشفتگی سامان نمی گیرد؟

در سال ۱۴۰۳، با تلاش سرکار خانم پروین راوری و آقای فرامرز آذرگشاسی، وراث روانشادان ارباب شاپور، ارباب شاهرخ کیانیان و آقایان کامبوزیا و کامبیز فرزندان روانشاد ارباب منوچهر سروشیان حقایبه خود از آب معروف به سیدی را جهت استفاده در آرامگاه به موسسه خیریه اردشیر همتی واگذار نموده اند که به این ترتیب حقایبه آرامگاه از یک و سه چهارم حبه به حدود ۱۵ حبه (کمی کمتر از یک دانگ) رسید که در نتیجه توان چانه زنی در جهت احقاق حق جامعه زرتشتیان افزایش پیدا کرد.

درمدت این یکسال با پیگیری مداوم و جدی موسسه خیریه اردشیر همتی و انجمن زرتشتیان کرمان جهت برقراری مجدد جریان آب سرانجام در فروردین ماه ۱۴۰۴ آب در لوله ورودی به آرامگاه جاری گردید.

اتصال دوباره آب به آرامگاه، نتیجه همیاری و همدلی نهادهایی چون استانداری و فرمانداری و دادگستری کرمان، موسسه خیریه اردشیر همتی، انجمن زرتشتیان کرمان و دکتر بهشید برخوردار، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی، است.

این رویداد نه تنها گامی در حفظ محیط زیست و میراث فرهنگی جامعه زرتشتی کرمان است، بلکه نمادی از تلاش جمعی برای صیانت از احترام به نیاکان و ارزش های انسانی و زیست محیطی محسوب می شود.

آرمیتا فرهمند

کاربرد ترانه و دوبیتی و رباعی در آیین‌ها و فرهنگ عامه زرتشتی

در شماره پیشین آشا (شماره سیزدهم) ترانه یا دوبیتی یا شعرهایی آوردیم که زرتشتیان از قدیم تا به امروز در روزهای خاص دور هم جمع شده و آن را می‌خوانند و گفتیم که برخی از آنها به زبان محاوره (گفتگو) می‌باشند و جزو فرهنگ عامه زرتشتیان است. و همچنین یادآوری کردیم یکی از آیین‌هایی که در آن این دوبیتی‌ها و ترانه‌ها کاربرد دارد، آیین چک و دوله (یا همان فال کوزه) است که یکی از آیین‌های جشن تیرگان و شب چله و شب چهارشنبه سوری و... است.

و من زمانی که کودک بودم به یاد دارم که در شب‌های گهنبار در شریف آباد اردکان یزد وقتی نان می‌پختند و غذای فردای گهنبار را آماده می‌کردند، بانوان این شعرهای زیبا را می‌خواندند و چه روح نواز و شادی بخش بود آن فضا، روان تمام نیاکان خوش فکرمان شاد.

و در ادامه می‌خواهم تعدادی دیگر از این ترانه‌ها یا دوبیتی‌ها و شعرها را بیاورم؛

بگیر این گل ز من یادبودی که تنها لایق این گل تو بودی
فراوان آمدند این گل بگیرند ندادم چون عزیز من تو بودی

شاهی طلبی برو گدای همه باش بیگانه ز خویش و آشنای همه باش
خواهی که تو را چو تاج بر سر دارند دست همه گیر و خاک پای همه باش

گفتم صَنَمَا لاله رُخا دلدارا در خواب نمای چهره یاری یارا
گفتا که رَوی به خواب بی ما وانگه خواهی که دگر به خواب بینی ما را

عزیزا سیب خندان منی تو چو میوه باب دندان منی تو
همیشه پیش چشمانم عزیزی خصوص امشب که مهمان منی تو

رنگت به گل سرخ شده شکر خدا کَارَت به مراد دل شده شکر خدا
دولت بر سرت خیمه زده بنشسته دشمن به غمت کور شده شکر خدا

منبع

سایت‌های برساد و آمدداد و چند تن از همکیشان زرتشتی

میترا خسروی

بگذاریم کودکان سوال بپرسند.
شکلی از تفکر به نام تفکر نقاد وجود دارد که بر پایه مهارت‌هایی همچون تجزیه و تحلیل اطلاعات، ارزیابی و استدلال و بررسی آگاهانه موضوعات شکل می‌گیرد. تفکر نقاد را می‌توان در کودکانی یافت که دائماً در مورد همه چیز سوال می‌پرسند و در جستجوی یافتن بخش‌های مختلف هر چیز هستند.

آسفالت جاده فرعی آرامگاه

همیاری بهدینان در همراهی پادگان

انتظار مردم کرمان خصوصاً بهدینان کرمانی و کارکنان و افرادی که در پادگان شهید بهشتی مشغول به خدمت هستند به پایان رسید و جاده فرعی از جاده اصلی کرمان به کوهپایه منتهی به آرامگاه سروشیان و پادگان شهید بهشتی در اسفند ۱۴۰۳ آسفالت شد.

سرکار خانم دکتر برخوردار پیشنهاد پنج میلیارد تومان بودجه از محل اعتباراتی که در اختیار نمایندگان محترم مجلس به لحاظ پروژه‌های سازندگی در محل حوزه انتخابیه خود دارند در سال گذشته به انجمن زرتشتیان کرمان دادند.

انجمن زرتشتیان کرمان ابتدا در نظر داشت که بودجه فوق صرف بازسازی مدرسه کیخسرو شاهرخ گردد؛ لذا جلسه‌ای با حضور ریاست محترم انجمن آقای نیک‌بخش و ریاست محترم مؤسسه اردشیر همتی آقای برخوردار و مدیرکل وقت آموزش و پرورش کرمان برگزار شد که در این جلسه مدیرکل آموزش و پرورش خواستار بهره‌برداری مدرسه کیخسرو شاهرخ بعد از تعمیرات اساسی گردید که با سیاست انجمن زرتشتیان کرمان که خواهان استفاده آن برای مردم کرمان اما تحت مدیریت جامعه زرتشتی بود هماهنگ نبود؛ لذا طرح ملغی اعلام شد.

انجمن زرتشتیان کرمان تصمیم گرفت که این بودجه به آسفالت جاده آرامگاه سروشیان تخصیص یابد؛ لذا آقای مهندس مهرداد کیان‌پور از مؤسسه اردشیر همتی هماهنگی‌های لازم را نمودند و جلسه‌ای با حضور آقایان نیک‌بخش و برخوردار؛

فرمانده محترم پادگان شهید بهشتی و مهندس مهرداد کیان‌پور در محل پادگان شهید بهشتی برگزار گردید که فرمانده پادگان شهید بهشتی از پروژه استقبال کرد؛ لذا انجمن با سرکار خانم دکتر برخوردار مکاتبه نمود و نماینده محترم زرتشتیان ایران مکاتبات لازم را با سازمان مدیریت برنامه‌ریزی استان انجام داد که با پیگیری‌های ایشان این بودجه تأمین اعتبار گردید و از تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ لغایت ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ این پروژه عمرانی عملی گردید.

آسفالت جاده آرامگاه باعث شد راه ورودی آرامگاه از قسمت گیت پادگان بهشتی تغییر کند.

در حال حاضر از قسمت گیت پادگان دو راه وجود دارد اول راه قدیمی که هیچ تغییر نکرده و شرایط آن مناسب نیست که هزینه آسفالت آن با توجه به نداشتن زیر ساخت جاده‌ای بسیار زیاد می‌شد و حدود دویست تا سیصد متر است و راه دوم که اخیراً راه‌اندازی شده و از درب بزرگ می‌باشد این راه تا چندمتری درب بزرگ آسفالت شده است و به دلیل هم‌زمان شدن پروژه آسفالت جاده با انجام گازرسانی پادگان امکان آسفالت این چند متر، در آن زمان نبود و نگه‌داشتن دستگاه‌های آسفالت تا انجام شدن گازرسانی پادگان هزینه انجام پروژه را بسیار بالا می‌برد که عملاً امکان‌پذیر نبود.

انجام پروژه فوق در مدت‌زمان محدود جز با همدلی همه‌ی دست‌اندرکاران پروژه و همکاری ارگان‌های دولتی مثل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و پادگان بهشتی امکان‌پذیر نبود.

چو به گشتی طبیب از خود میازار

*خانم دکتر خیلی مریضم خیلی حالم بده تورو خدا یه فکری به حالم بکن
 **چطوری باشو بدین آزمایش هاتون رو ببینم
 *خانم دکتر نمیدونم چطور شدم کلا تو کفم حسابی کف کردم
 آخ خانم دکتر به دادم برس نکنه کف بالا بیارم کفن پوش بشم کفترام یتیم بشن
 **نه عزیزم هرچی هم کف بکنی تا رو آب نیفتی اشکالی نداره
 اگه یه وقتی رو آب بیفتی خطرناکه ممکنه بترکی و کلا کفت بیره متوجهی که
 *بله خانم دکتر اونم چه جور حالا اگه مرض منو تشخیص دادین یه دواایی چیزی بدین اینقدر تو کف نمونم خانم دکتر
 **بیا باشو الساعه نسخه ات رو می پیچم دواهاشم برو از داروخانه بالا بگیر به امید خدا خوب بشی و یه عمر سایه ات بالا سر کفترات بمونه برو به سلامت درم پشت سرت ببند

باشو آدورخان

۱۴۰۴/۰۱/۲۶

طبق صحبت های آقای برخوردار ریاست محترم مؤسسه اردشیر همتی اگر بودجه فوق تصویب نمی شد امکان نگهداری برای سال جدید نبود و بودجه از دست می رفت. استفاده از بودجه های فوق نیاز به کار کارشناسی دارد و بودجه در اختیار انجمن و یا هیچ ارگان دیگری قرار نمی گیرد و بودجه در صورت تایید از سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان به ارگان های مورد تایید سازمان جهت اجرا انتقال میابد؛ برای نمونه اگر بازسازی مدرسه باشد با سازمان آموزش و پرورش، اگر در حوزه راه سازی باشد با اداره راه سازی و یا شرکت های مورد تایید راه سازی و اگر در حوزه میراث فرهنگی باشد، با اداره میراث فرهنگی و گردشگری انجام می شود.

امید است با همدلی مسئولین، شاهد به ثمر رسیدن بیشتر این پروژه ها باشیم.

بی شک همه کسانی که از این جاده استفاده می کنند سپاس دار زحمات های عزیزی که در پروژه نقش داشته اند هستند لذا

از تلاش های بی وقفه سرکار خانم دکتر برخوردار نماینده محترم زرتشتیان ایران قدردانی می نمایم.

سپاس از کارکنان و هیئت مدیره انجمن زرتشتیان کرمان و ریاست محترم آن آقای نیک بخش،

سپاس از مجموعه مؤسسه اردشیر همتی و ریاست محترم آن آقای برخوردار،

سپاس از مسئولین و فرماندهی محترم پادگان شهید بهشتی،

سپاس از مسئولین و ریاست محترم سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان.

نشریه اشا

به قلم دادمهر رستمی

که ور مسنده

*ای باشو به نظرم آلزایمر گرفتی این بنده خدایی که دعوتش کردی هس کاره یه می باس او یه تو ره دعوت می کردی

*بی صدا بچه آلزایمر چیزه تو از کی داخل آدم شدی که نظر بدی ای یارو مگه همونی نی که ور مسند کاره همونی که منم دلم براش قیقاج می ره

*نه باشو به ولله قاطی کردی ای دیگه ور مسند نی او یه تو ور مسنده ورهمی میگم فردا بزش ور کو بالا میره باید بونو بجاکنی ها

ای یتو هم قوم و خویشه هم همشهریته باشو بالاخره توقع داره یه کاری کن ور اینم دلت قیقاج بره

*خیله خوب ماشالله گفتی الان کی ور مسنده مگه الان مسند چنده؟

بار دگه زودتر یادآوری کن منم برم بدم تنظیمات قیقاج رو آبدیت کنن آف دیت کنن چه می دونم به روزش کنن دیگه

باشو آدورخان

۱۴۰۴/۰۱/۲۷

بعضی وقتها موفق می شوید بعضی
وقتها یاد می گیرید

جشن زایش زرشت اسپنتمان

خجسته زادروز اشوزرشت، با همازوری کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان با هماهنگی هایدا بختیاری و برنامه ریزی کیوان بختیاری در روز ششم فروردین در جشنگاه روانشاد رشید نیکبخش گرمی داشته شد.

در ابتدا، این جشن با نوای دلنشین گات ها از سوی شکيلا شهرياري آغاز گرديد. همazor و بوي خوش كنندر در اين ميان حال و هواي روحاني به مجلس داد.

در این قسمت، نوبت به خوش آمد گویی مجری رسید و با سناریو از پیش تعیین شده، از آقای کوروش زنده نوش بصورت غیر منتظره برای نقش پر مسئولیت مجری دعوت شد. بدین گونه بود که آقای کوروش زنده نوش پس از ۴۰ سال به صحنه بازگشت و خاطرات بسیاری را برای هم نسل های خود زنده کرد. این مهم در حقیقت گامی در جهت دعوت به همکاری نسل های گذشته با کمیسیون جوانان بود که دلگرمی بزرگی برای جوانان محسوب می شود. این مسیر شروعی است برای آنکه جوانان نشان دهند در کمیسیون همه دست به دست هم می دهند تا بتوانند جامعه را شاد و فعال و پرامید نگاه دارند.

به دنبال آن رژه خوشامدگویی اعضای کمیسیون و دست اندر کاران این جشن به شکل موزیکال به اجرا درآمد. در پایان آن، برگزارکنندگان این جشن با پوششی هماهنگ (پسران با کراوات و دختران با دستمال گردن زرد روشن که یادآوری قسمتی از نام زرتشت و نشانی از روشنی اندیشه و راه او بود) به جلوی سالن آمده و با تشویق باشندگان بدرقه شدند.

پس از پذیرایی و تنفس کوتاهی، برنامه دلنشین موسیقی به سرپرستی آریابرنز غیبی و اجرای هایدا بختیاری و کیا موبدشاهی به روی صحنه آمد و پس از آن، برنامه رقص دختران زرتشتی به سرپرستی رکسانا کیومرثی چشم‌ها را به خود خیره کرد.

دعوت به همیاری همه جوانان، همکیشان و جهان‌دیدگان جامعه به هم‌آزوری در برنامه‌های مختلف و آتی هازمان که به کوشش آبتین بختیاری تهیه شده بود، یکی از دیگر برنامه‌های این جشن بود.

پس از آن، از آریا کاویانی جهت توضیحاتی در مورد دوره دانش بنیان که به همت دکتر اسفندیار اختیاری برگزار گردید، دعوت شد و ایشان نیز از فرنشین انجمن زرتشتیان برای تقدیم گواهی حضور در دوره آموزشی به شرکت کنندگان دعوت کرد.

یکی دیگر از بخش‌های این برنامه‌ها، یادی بود از روانشاد موبد مهربان فیروزگری در نوروز ۱۴۰۴ که با همت موبد مهرزاد کاویانی تدارک دیده شده بود. بی‌شک موبد فیروزگری از جمله کسانی بودند که نسل‌های آینده از ایشان به نیکی یاد خواهند کرد.

در نهایت رژه پایانی کمیسیون جوانان با تاکید بر هم‌آزوری در سازندگی جامعه و سرزمین مادری، با دکلمه‌های هماهنگ‌کننده و برنامه‌ریز جشن، سرود ای ایران و سخن اختتامیه مجری، پایانی به یادماندنی در ذهن میهمانان به یادگار گذاشت.

پذیرایی آش از همکیشان در انتهای برنامه صورت گرفت.

لازم به توضیح است زحمت دوخت تمامی این دستمال گردن‌های زیبا را سرکار خانم نسرين فرهادی بدون هیچ چشم داشت و در راستای حمایت همیشگی‌شان از جوانان و برنامه‌های مختلف هازمان کشیده بودند.

پس از آن آقای سیروس نیکبخش، فرنشین انجمن زرتشتیان کرمان، در سخنرانی جشن ششم فروردین، نوروز باستانی و زادروز اشوزرتشت را شادباش گفت و از کمیسیون جوانان که در این مسیر با یکدیگر هم‌آزور و همراه بودند، قدردانی نمود. در این هنگام کودکان زرتشتی با پوشش زیبای مکنا و شوال به میان جمع آمدند و با گرداندن آینه، گلاب و شکلات حضور باشندگان را گرمای داشتند.

لازم به ذکر است به همت اعضای خوش ذوق کمیسیون و عکسبرداری بابک نیکدین در ورودی سالن، لوکیشن عکاسی با تم بهاری و سفره نوروزی جهت عکس‌برداری و ثبت خاطره میهمانان تدارک دیده شده بود.

در این قسمت از برنامه، به کوشش چندین روزه گروهی از جوانان و با راهنمایی اساتید دینی، تئاتر سایه بازی روایت زندگی زرتشت اسپنتمان اجرا و به نمایش گذاشته شد.

از برنامه‌های بعدی این جشن، تئاتر موزیکال به‌دینان همراه با توصیف نمادهای سفره هفت سین زرتشتیان به زبان دری به سرپرستی خانم آرمیتا فرهمند بود.

در ادامه انجمن زرتشتیان کرمان با لوح‌های تقدیر موفقیت‌های آریابرنز غیبی در کسب رتبه برتر میان بزرگان هنر موسیقی در سطح کشور و امید شهریاری با کسب مدرک مربیگری سطح A آسیا در رشته فوتبال را گرمای داشت.

کارگاه دو روزه هوش مصنوعی

کارگاه آموزشی هوش مصنوعی با استقبال همکیشان زرتشتی کرمان برگزار شد

کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان با هدف آشنایی همکیشان عزیز با فناوری های روز دنیا، دو جلسه کارگاه آموزشی «هوش مصنوعی» را با تدریس کیوان بختیاری، با ۲۵ نفر شرکت کننده، برگزار کرد. این رویداد آموزشی در صبح های آدینه، ۲۲ و ۲۹ فروردین ماه ۱۴۰۴، در باشگاه اردشیر همتی و با حضور جمعی از علاقه مندان به این حوزه برگزار شد.

در این کارگاه که به کوشش شورای اقتصادی-آموزشی کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان و با هماهنگی رکسانا کیومرثی و هلنا گشتاسیان ترتیب داده شد، انواع هوش مصنوعی و کاربردهای گسترده آن در زندگی روزمره و صنایع مختلف به صورت جامع و کاربردی بررسی شد. شرکت کنندگان با مفاهیم پایه ای این فناوری نوین آشنا شده و دیدگاهی روشن نسبت به آینده هوش مصنوعی کسب کردند.

در پایان جلسات، پرسش ها و ابهامات شرکت کنندگان با دقت و تفصیل پاسخ داده شد تا هیچ نقطه تاریکی در ذهن علاقه مندان باقی نماند. همچنین از حضار با چای و شیرینی پذیرایی به عمل آمد.

این کارگاه، آغازی هیجان انگیز برای یک سفر یادگیری در دنیای پیشرفته ی هوش مصنوعی است و نشان داد که جوانان زرتشتی کرمان علاقه مند و پیگیر فناوری های نوین هستند. همراه ما باشید تا در این مسیر دانش محور، گام های استوارتری برداریم!

دوره یک روزه آموزش کارگروهی و تیم ورکینگ

کارگاه تیم سازی و کار گروهی با استقبال همکیشان زرتشتی کرمان برگزار شد

کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان با هدف ارتقای مهارت های جمعی و تقویت روحیه همکاری، کارگاه تک جلسه ای «تیم سازی و کار گروهی» را با تدریس دکتر بهرام بختیاری برگزار کرد. این رویداد آموزشی در روز آدینه، ۲۲ فروردین ماه ۱۴۰۴، در باشگاه اردشیر همتی کرمان و با حضور نزدیک به ۵۰ نفر از علاقه مندان برگزار شد.

دکتر بهرام بختیاری، عضو هیئت علمی بخش مهندسی آب دانشگاه باهنر کرمان و نخستین دانش آموخته دکترای رشته هواشناسی کشاورزی در ایران که دارای ثبت اختراع نیز هستند، در این کارگاه به تشریح اصول و فرآیندهای تیم سازی مؤثر پرداخت. ایشان ویژگی های یک گروه کاری موفق، اهداف کار تیمی، و راهکارهای بهبود هماهنگی بین اعضا را به صورت کاربردی ارائه دادند.

در بخش پایانی کارگاه، دکتر آرشین بختیاری با به اشتراک گذاری تجربیات عملی خود، به بیان چالش ها و موفقیت های کار گروهی پرداختند و همچنین ایده های مطرح شده در دوره دانش بنیان تحت تدریس دکتر اسفندیار اختیاری را بازگو کردند. ایشان از علاقه مندان دعوت کردند تا در صورت تمایل به همکاری در این زمینه، اعلام آمادگی کنند.



پس از صرف ناهار که هر یک از حاضرین برای خود تهیه و تدارک نموده بودند، همگی به لطف حضور و نوازدگی آریابرز غیبی به همخوانی سرود هماهنگ پرداختند که حال و هوایی خاص و خاطره انگیز به برنامه بخشید. در بین برنامه‌های این روز با آبمیوه، چای و کیک و هندوانه از باشندگان پذیرایی شد.

این گردهمایی با همکاری و کوشش نسرین فرهادی، آریتا نوذری و نیز گروهی از اعضای کمیسیون جوانان از جمله تریتی ضیاتبری، دنیا نوشادی و هلیا گشتاسیان برگزار شد و در ساعت ۴ پسین خاتمه یافت.

✍ نسرین فرهادی با همکاری کمیسیون جوانان زرتشتی



برگزاری دوره یک‌روزه «خویشکاری» در کرمان

کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان در راستای ارتقاء بینش فردی و اجتماعی اعضای هازمان زرتشتی کرمان، کلاس آموزشی با موضوع «خویشکاری» را در روز چهارشنبه ۱۴ خرداد ماه با حضور ۲۵ نفر از علاقه‌مندان برگزار کرد. این برنامه در محل باشگاه اردشیر همتی و با تدریس جناب آقای رادمان خورشیدیان مدرس چندین ساله دوره‌های خویشکاری و آینده پژوهی و با سابقه فعالیت بلند مدت و مستمر در رویدادها و برنامه‌های اجتماعی، در ساعت ۸:۳۰ بامداد برگزار شد.

در این جلسه، ابتدا در خصوص ارائه و معرفی خود به دیگران سوالاتی مطرح شد و هر یک از باشندگان با توضیح مختصری به شرح موجودیت و شناخت خود از خود پرداختند.

گردهمایی اعضای خانه گوهر همتی کرمان در باغچه بوداغ آباد:

روز جمعه دوم خردادماه اعضای خانه گوهر همتی با همراهی گروهی از اعضای کمیسیون جوانان و هیئت تحریریه اشا برای سپری کردن یک روز شاد در باغچه بوداغ آباد از ساعت ۹ صبح گرد هم آمدند.

در ابتدا این عزیزان در کنار یکدیگر به ورزش صبحگاهی گروهی به مربیگری فریما فروهری پرداختند. پس از آن آقای مهرجی برخوردار و خانم پروین راوری از طرف هیئت مدیره خیریه اردشیر همتی از پیشکسوت والیبال خانم تاج شهریاری به پاس حضور ارزشمندشان در بین جامعه ورزشی و به خصوص والیبال کرمان تقدیر نموده و لوح و هدیه‌ای را پیشکش ایشان کردند.

در ادامه برنامه با هماهنگی و پیشنهاد کمیسیون جوانان موضوعی به هدف بحث و هم اندیشی گروهی مطرح شد که هر یک از عزیزان از گروه‌ها و سنین مختلف پیرامون دغدغه‌های جمعیتی جامعه گفتگو کردند و نظرات و عقایدشان را ابراز داشتند گرداننده این بحث آقای آرش ضیاتبری، پژوهشگر و تاریخ پژوه کرمانی بود که با همراهی دکتر فرشید خسروپور مطالب شنیدنی و آموزنده ای را به باشندگان ارائه کردند.

سپس تمامی حاضرین در چهار دسته گروه بندی شده و در جوی دوستانه اما رقابتی به انجام چندین بازی مفرح پرداخته و خود را به چالش کشیدند که در پایان به تیم برنده (زیبارویان) به رسم یادبود هدایایی پیشکش شد.



برگزاری دوره و کارگاه یک روزه «آینده پژوهی» در

کرمان:

کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان در راستای ارتقای دانش و بینش اعضای هازمان زرتشتی، کلاس آموزشی «آینده پژوهی» را در روز پنجشنبه ۱۵ خردادماه ۱۴۰۴ با حضور بیش از ۱۵ نفر از علاقه‌مندان در باشگاه اردشیر همتی برگزار کرد.

این دوره آموزشی که از ساعت ۸:۳۰ بامداد تا ۱۲:۳۰ ظهر به طول انجامید، با تدریس جناب آقای رادمان خورشیدیان، مدرس باتجربه در حوزه آینده‌پژوهی و از چهره‌های شناخته‌شده در برنامه‌های اجتماعی هازمان زرتشتی، همراه بود.

در این کارگاه، شرکت‌کنندگان با مباحث کاربردی آینده‌پژوهی، از جمله تحلیل روندهای آینده، شناسایی عوامل کلیدی تغییر و روش‌های تدوین سناریوهای محتمل آشنا شدند. بخش قابل توجهی از برنامه به کار عملی گروهی اختصاص داشت، که در آن حاضرین با همفکری به بررسی آینده‌های ممکن و طراحی راهبردهای سازگاری با تغییرات پرداختند. فضای پویا و تعاملی کلاس، امکان تبادل نظر و بیان دیدگاه‌ها را برای تمامی شرکت‌کنندگان فراهم کرد.

همچنین در حین برنامه از شرکت‌کنندگان با پکیج‌های خوراکی از قبل تدارک دیده شده، پذیرایی شد.

این برنامه با هماهنگی و تلاش اعضای شورای آموزشی کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان، شامل آریومن فروهری، رکسانا کیومرثی، هلنا گشتاسیان و آبتین زندخاوری و با همکاری آبتین بختیاری برنامه‌ریزی و اجرا شد.

لازم به ذکر است که کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان در نظر دارد با ادامه اینگونه دوره‌های آموزشی، گامی مؤثر در جهت ارتقای سطح آگاهی و مهارت‌های فردی و اجتماعی اعضای هازمان زرتشتی بردارد.

سپس مفاهیم بنیادین خویشتکاری به تفکیک مورد طرح و بررسی قرار گرفت و تمامی شرکت‌کنندگان از کوچک‌ترین عضو ۱۲ ساله آن، آراد کیومرثی، تا باقی حاضرین، ضمن بهره‌مندی از مطالب ارائه‌شده، در فضایی گفت‌وگومحور به تبادل نظر، بیان دیدگاه‌ها و پرسش‌های خود پرداختند. مشارکت فعال حاضرین به پویایی و عمق بیشتر مباحث کمک شایانی کرد.

در پایان به پاس قبول زحمت و پذیرش دعوت کمیسیون جوانان، به رسم یادبود هدیه‌ای یادگاری به استاد دوره، آقای رادمان خورشیدیان از سوی کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان، پیشکش گردید.

همچنین در حین برنامه از شرکت‌کنندگان با پکیج‌های خوراکی از قبل تدارک دیده شده، پذیرایی شد.

این برنامه که در ساعت ۱۲:۳۰ به پایان رسید با کوشش و هماهنگی اعضای شورای آموزشی کمیسیون جوانان زرتشتی، آریومن فروهری، رکسانا کیومرثی، هلنا گشتاسیان و آبتین زندخاوری و همیاری آبتین بختیاری هماهنگ، تدارک و برنامه ریزی شده بود.

لازم به ذکر است دوره بعدی شورای آموزشی، دوره «آینده پژوهی» (بوده که طبق اعلام قبلی در تاریخ پنجشنبه ۱۵ خردادماه، ساعت ۸:۳۰ بامداد توسط کمیسیون جوانان زرتشتی، در ادامه و راستای ارتقای سطح دانش عمومی هازمان زرتشتی، برگزار خواهد شد.

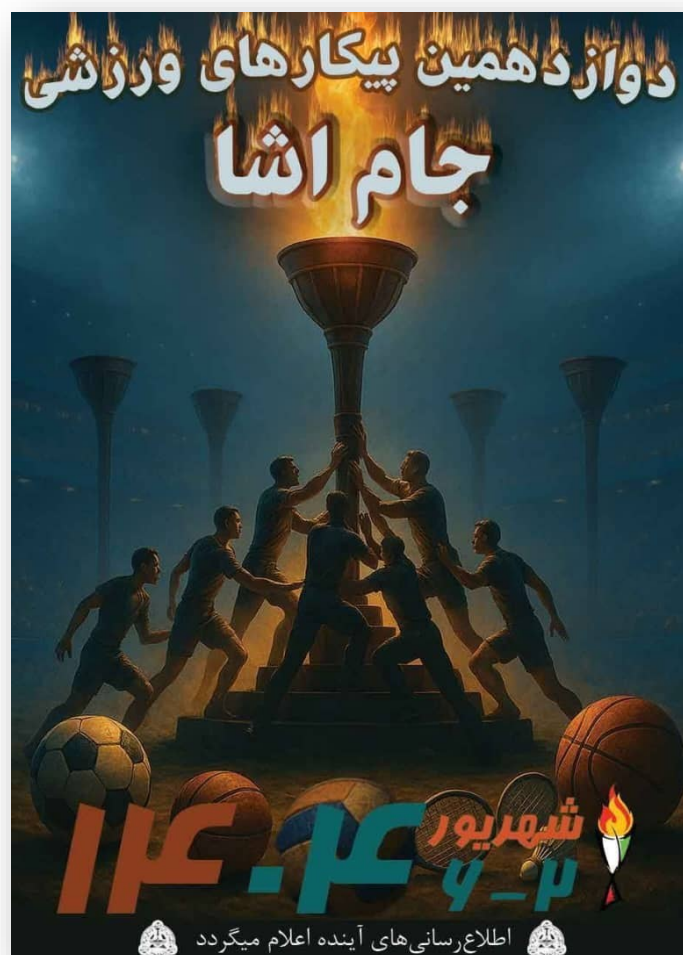
 شورای آموزشی کمیسیون جوانان زرتشتی

دوازدهمین دوره مسابقات ورزشی جام اشا از تاریخ دوم تا ششم شهریورماه ۱۴۰۴ با شکوهی همچون گذشته در شهر کرمان برگزار خواهد شد.

باشگاه اردشیر همتی کرمان، همچون دوره‌های پیشین، افتخار میزبانی ورزشکاران، مربیان و همکیشان عزیز را دارد.

منتظر حضور گرم‌تان هستیم .

کرمان بار دیگر میزبان افتخارآفرینان خواهد بود! همراه ما باشید و این لحظات را جاودانه کنید.



* تقدیر از پیشکسوتان والیبال استان کرمان *

در مراسمی باشکوه که روز دوشنبه ۲۵ فروردین به همت هیئت والیبال استان کرمان در تالار بهارستان برگزار شد، جمعی از پیشکسوتان والیبال استان مورد تقدیر قرار گرفتند. این مراسم با حضور مسئولان، ورزشکاران و دوستان آنان والیبال، فرصتی بود تا از سال‌ها تلاش و زحمات این عزیزان در توسعه و اعتلای ورزش والیبال قدردانی شود.

در میان تقدیرشدگان، نام پرافتخار بانوی فرهیخته و ورزشکار، *خانم تاج شهریاری*، پیشکسوت والیبال بانوان زرتشتی، به چشم می‌خورد. ایشان که از سال‌های دور تاکنون همواره نقشی الهام‌بخش در باشگاه اردشیر همتی ایفا کرده‌اند، نه تنها در عرصه ورزش، بلکه در اخلاق و منش حرفه‌ای نیز الگویی مثال‌زدنی برای ورزشکاران و مدیران باشگاه بوده و هستند.

باشگاه اردشیر همتی کرمان، با ارج نهادن به این جایگاه ارزشمند، از زحمات و خدمات ارزنده ایشان صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و از درگاه اهورامزدا، دیرزیوی همراه با تندرستی، بهروزی و شادکامی برای ایشان آرزو دارد.

باشگاه اردشیر همتی کرمان



گروه شاهنامه‌خوانی به سرپرستی بانو میترا خسروی، به اجرای گروهی و هماهنگ داستان زیبای شاهنامه عبور سیاوش از آتش پرداختند.

سپس مجریان برنامه، جناب آقای کیوان بختیاری و بانو فرزانه آذرگشاسی، از جناب آقای دکتر سلاجقه برای ایراد سخنرانی دعوت به عمل آوردند. پس از پایان این بخش، از باشندگان با چای و کیک پذیرایی شد.

در ادامه، گروه موسیقی به سرپرستی خانم حاج اکبری، با اجرای سرود هماهنگ، حال و هوای حماسی به برنامه بخشید.

یکی از بخش‌های جذاب برنامه، شاهنامه‌خوانی بانو کمند کاویانی بود که با اجرای پرشور و حماسی خود، شور و هیجان خاصی در سالن برپا کرد.

در این زمان به پاس همکاری‌های بی‌دریغ میراث فرهنگی محترم کرمان از خانم نفیسه ایزدی و جناب آقای منصور قربانی و نیز از دو استاد فرهیخته جناب آقای دکتر کاووس سلاجقه و جناب آقای دکتر عباس آذرانداز که از سال ۱۳۹۶ همراهی ارزشمندشان را نثار کلاس‌های شاهنامه‌خوانی کردند و نیز از ۲۶ نفر اعضای گروه سرود خانم حاج اکبری، از سوی انجمن زرتشتیان تقدیر و سپاس به عمل آمد.

سپس با معرفی مجری، جناب آقای دکتر آذرانداز درباره فرهنگ و آیین کهن ایران زمین سخن گفتند.

این کارگاه که به کوشش شورای اقتصادی-آموزشی کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان و با هماهنگی رکسانا کیومرثی و هلنا گشتاسیان برگزار شد، نه تنها فرصتی ارزشمند برای یادگیری بود، بلکه گامی مؤثر در راستای تقویت انسجام و همدلی میان جامعه زرتشتی کرمان محسوب می‌شود. در حاشیه این رویداد، از شرکت‌کنندگان با چای و شیرینی پذیرایی شد.

بزرگداشت پاسدار زبان پارسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی

مراسم بزرگداشت فردوسی، برای چندمین سال پیاپی، به میزبانی انجمن زرتشتیان کرمان و با یاری کمیسیون جوانان، در تاریخ ۲۵ اردیبهشت‌ماه از ساعت ۵:۳۰ پسین، در جشنگاه رشید نیکبخش برگزار شد.

در ورودی سالن ابتدا نونهالان دوست‌داشتنی، آریسا کیومرثی و ویانا خداداد کوچکی با آینه و شکلات روی یکایک باشندگان را روشن و شیرین کامشان نمودند و حضورشان را خیر مقدم گفتند.

آغازگر برنامه‌ها، فرزانه گرامی، بانو شکیلا شهریاری بود که با خوانش کلام اندیشه برانگیز گات‌ها فضای معنوی به برنامه بخشید. پس از آن، سرود ملی ایران در سالن طنین‌انداز شد.

در ادامه، جناب آقای سیروس نیکبخش، فرنشین انجمن زرتشتیان کرمان، به سخنرانی پرداختند. پس از ایشان، خانم کمند کاویانی، پیام خانم بهشید برخوردار نماینده زرتشتیان ایران در مجلس را قرائت نمودند.

نام نیک اندیشان دهشمند و مبلغ اهدائی جهت

بازسازی و مرمت شاه ورهرام ایزد کرمان

۱- دهش نیک اندیشان گرامی فریده و فرانک شهریار
نوذری به نامگانه روانشادان شهریار آذرباد نوذری
و تاج خداداد خسروان و فرهاد شهریار نوذری
(مبلغ ۱۲ میلیون تومان)

۲- دهش نیک اندیش گرامی جناب آقای محمد حسین
ملکی (مبلغ ۱۵ میلیون تومان)

۳- دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم ناهید نیک دین
به نامگانه روانشاد رستم مهربان اشیدری
(مبلغ ۷ میلیون تومان)

۴- دهش نیک اندیش گرامی (مبلغ ۱۵ میلیون تومان)
۵- دهش نیک اندیش گرامی جناب آقای مجید مصباح
(مبلغ ۵ میلیون تومان)

۶- دهش نیک اندیش گرامی آقای سیروس خادمی به
نامگانه روانشاد دولت هرمزدیار خادمی شریف آبادی
(مبلغ ۲ میلیون تومان)

۷- دهش نیک اندیش گرامی (مبلغ ۴ میلیون تومان)
۸- دهش نیک اندیش گرامی آقای ايسدواستر فرهادی به
نامگانه روانشادان خدایار هرمزدیار فرهادی و شیرین برزو
پیرغیبی (مبلغ ۳ میلیون تومان)

۹- دهش نیک اندیش گرامی خانواده زعیم به نامگانه
روانشاد پرویز جهانگیر زعیم (مبلغ ۷ میلیون تومان)

۱۰- دهش نیک اندیش گرامی آقای کیخسرو خدیو پارسی
به نامگانه روانشادان خدایار اسفندیار خدیو پارسی و
سیمین دخت رستم اردشیر کشاورزی
(مبلغ ۲۵ میلیون تومان)

۱۱- دهش نیک اندیش گرامی آقای جمشید فریدون
کاویانی (مبلغ ۷ میلیون تومان)

۱۲- دهش نیک اندیش گرامی آقای منوچهر همتی به
نامگانه روانشادان آذرباد رستم همتی و فرخنده اردشیر
همتی جهت مخزن آب و پمپ آب
(مبلغ ۳۰ میلیون تومان)

۱۳- دهش نیک اندیش گرامی مهرداد قدسی به نامگانه
روانشادان آب نهیر فریدون کیانیان و اردشیر خسرو
قدسی (مبلغ ۵ میلیون تومان)

۱۴- دهش نیک اندیش گرامی خانم فرحناز فرهاد شهرامی
به نامگانه روانشادان پروین خدامراد ورجاوند و فرهاد
خدابخش شهرامی (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۱۵- دهش نیک اندیش گرامی آقای کوروش خدارحم
شهریاری به نامگانه ماهرخ هرمزدیار کشاورزبان
(مبلغ ۱۵ میلیون تومان)

۱۶- دهش نیک اندیش گرامی آقای بیژن زعیم به نامگانه
روانشاد برزو رستم زعیم (مبلغ ۵۰ میلیون تومان)

۱۷- دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم ماندانا جهانگیر
کاویانی به نامگانه جهانگیر خدارحم کاویانی
(۸۰ میلیون تومان)

۱۸- دهش نیک اندیشان گرامی فرزندان زیور ضیائبری به
نامگانه روانشادان زیور فریدون ضیائبری و مهین دخت
اسفندیار گشتاسبی گوهرریزی (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۱۹- دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم شاه بهرامی به
نامگانه روانشاد کتابون خداداد شاه بهرامی
(مبلغ ۲ میلیون تومان)

۲۹-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم روشنگر
خداداد کوچکی به نامگانه روانشاد مهری نوذر نوذری
(مبلغ ۵ میلیون تومان)

۳۰-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم مه بانو غیبی
به نامگانه روانشاد رستم خدارحم خسروی
(مبلغ ۷ میلیون تومان)

۳۱-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم منیژه
شهریاری به نامگانه روانشاد مهدی آگاه
(مبلغ ۵ میلیون تومان)

۳۲-دهش نیک اندیش گرامی آقای کوروش غیبی به
نامگانه روانشاد افلاتون اردشیر غیبی
(مبلغ ۵ میلیون تومان)

۳۳-دهش نیک اندیش گرامی دولت زاده به نامگانه
روانشادان ایرج جهانگیر دولت زاده و فرنگیس بهمن
کاویانی (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۳۴-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم فرین شاهپور
کیانپور به نامگانه روانشادان شاهپور اسفندیار کیانپور و
فرخنده جمشید لُریان (کیانپور)
(مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۳۵-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم پروین شهریار
راوری به نامگانه روانشاد سیروس شهریار راوری (مبلغ
۱۰ میلیون تومان)

۳۶-دهش نیک اندیش گرامی آقای فرزاد شاهرخ ثابتی
به نامگانه روانشادان شاهرخ بهرام ثابتی و عشرت رستم
ثابتی (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۳۷-دهش نیک اندیش گرامی آقای دکتر شاهرخ دینیار
مزدیسنا به نامگانه روانشاد کشور خانم مزدیسنا
(مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۲۰-دهش نیک اندیش گرامی خانواده آذرمی به نامگانه
روانشاد فریبرز کریمداد آذری (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)
۲۱-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم ویدا کیوان
آذر به نامگانه روانشاد نادر هوشنگ نوذری
(مبلغ ۲۰ میلیون تومان)

۲۲-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم مهری رستمی
به نامگانه روانشاد موید رشید رستمی
(مبلغ ۵ میلیون تومان)

۲۳-دهش نیک اندیش گرامی آقای کیخسرو شاپور
کیانیان به نامگانه روانشاد شاپور کیخسرو کیانیان
(مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۲۴-دهش نیک اندیش گرامی آقای منوچهر گشتاسبی به
نامگانه روانشادان خدایار بهرام گشتاسبی و پروین
جهانگیر دولت زاده (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۲۵-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم شهناز نوذری
به نامگانه روانشادان اردشیر رشید نوذری و سلطان برزو
پرستار (مبلغ ۱۴ میلیون تومان)

۲۶-دهش نیک اندیش گرامی آقای کیوان شاهرخ
فرامرزی به نامگانه روانشاد شاهرخ دینیار فرامرزی
(مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۲۷-دهش نیک اندیش گرامی آقای همایون سهراب
همتی به نامگانه روانشاد سهراب رستم نوروز همتی
(مبلغ ۷ میلیون تومان)

۲۸-دهش نیک اندیش گرامی آقای آریا خسروان به
نامگانه روانشاد هوشنگ آذرباد اشیدری
(مبلغ ۳ میلیون تومان)

۵۰-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم مینو بهرام
نوذری به نامگانه روانشادان بهرام آذرباد نوذری و گوهر
هرمزدار غیبی (مبلغ ۷ میلیون تومان)

۵۱-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم مهین بانو
دستور اردشیر اشیدری به نامگانه روانشاد شاه بهرام
خداداد رستمی (مبلغ ۴۵ میلیون تومان)

۵۲-دهش نیک اندیش گرامی آقای آبتین سهرابی
(یک عدد جارو برقی)

۵۳-دهش نیک اندیشان گرامی ندا و منوچهر شهرام
نوذری به نامگانه روانشادان افسون منوچهر مزدایی و
شهرام ماشاءاله نوذری (مبلغ ۱۵ میلیون تومان)

۵۴-دهش نیک اندیش گرامی آقای نوذر ایرج نوذری به
نامگانه روانشاد ایرج نوذر نوذری
(مبلغ ۷ میلیون تومان)

۵۵-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم پردخت
تهمتنی به نامگانه روانشاد پاینده رستم تهمتنی
(بخشی از لوله کشی گاز)

۵۶-دهش نیک اندیش گرامی آقای خداداد داریوشی نژاد
به نامگانه ایران آذرباد کشاورزبان (یک عدد لوستر)
۵۷-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم مهردخت

زابلستانی به نامگانه روانشاد سروشیار زابلستانی (مبلغ ۱
میلیون تومان)

۵۸-دهش نیک اندیش گرامی آقای سروشپور به نامگانه
روانشاد شاپور سروشپور (یک دستگاه پنکه رومیزی)
۵۹-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم مهری نوذری

(یک دستگاه بخاری گازی مهیا)

۳۸-دهش نیک اندیش گرامی آقای جهانگیر رستم فروهر
به نامگانه روانشاد ایران بانو رستم خوبیاری
(مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۳۹-دهش نیک اندیش گرامی آقای بابک زمانی به
نامگانه روانشاد خانم زنگی آبادی بابت خرید و نصب
دوربین مدار بسته (مبلغ ۲۲ میلیون تومان)

۴۰-دهش نیک اندیش گرامی آقای افشین ساسانی جهت
برق کشی (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۴۱-دهش نیک اندیش گرامی آقای کامیار سروشیان
(مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۴۲-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم پروین رستمی
(مبلغ ۲ میلیون تومان)

۴۳-دهش نیک اندیش گرامی آقای مهریار غیبی جهت
روشنایی مکان (مبلغ ۷ میلیون تومان)

۴۴-دهش نیک اندیش گرامی آقای کامران همتی
(مبلغ ۵ میلیون تومان)

۴۵-دهش نیک اندیش گرامی آقای کیخسرو آتريا
کیانیان (مبلغ ۵ میلیون تومان)

۴۶-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم آتريا کیخسرو
کیانیان (مبلغ ۵ میلیون تومان)

۴۷-یادآوری از زنده یاد کامبوزیا سروش کوهی زارع
(مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۴۸-موسسه خیریه ارباب اردشیر همتی
(مبلغ ۱۵ میلیون تومان)

۴۹-موقوفه شاه بهرام فیروزی (مبلغ ۱۴ میلیون تومان)

۷۰-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم هما آمیغی به
نامگانه روانشاد کیانیپور کیخسرو کیانیان
(مبلغ ۲۰ میلیون تومان)

۷۱-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم مهرناز
کشاوریان به نامگانه روانشاد هرمزدیار فرامرزیان
(یک عدد کتابخانه داخل نیایشگاه)

۷۲-دهش نیک اندیش گرامی آقای هوشنگ قدسی
(یک دستگاه بخاری گازی مهیا)

۷۳-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم روح انگیز
آبادیان به نامگانه روانشاد کیخسرو جاماسب موبدشاهی
(مبلغ ۱ میلیون تومان)

۷۴-دهش نیک اندیش گرامی آقای فتح الله رضانی
میمند به نامگانه روانشاد علمدار رضانی میمند
(مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۷۵-دهش نیک اندیش گرامی آقای مهران همتی به
نامگانه روانشادان بانو ولی شریف آبادی و فریدون دهموبد
شریف آبادی (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۷۶-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم شهناز شاپور
گشتاسبی (مبلغ ۵ میلیون تومان)

۷۷-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم میترا شهریار
غیبی به نامگانه روانشادان شهریار آدریاد غیبی و سیمین
مهراب غیبی (مبلغ ۵ میلیون تومان)

۷۸-دهش نیک اندیش گرامی آقای دکتر کیسخر
مهربانی (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۶۰-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم نگار خدادادی
به نامگانه روانشاد شاهرخ جهانبخش خدادادی
(مبلغ ۳ میلیون تومان)

۶۱-دهش نیک اندیش گرامی آقای خسرو وخشوری
(مبلغ ۴ میلیون تومان)

۶۲-دهش نیک اندیش گرامی آقای جمشید اردشیر
آذری به نامگانه روانشادان ایراندخت بهرام مزدایی و
اردشیر خداداد آذری (مبلغ ۷ میلیون تومان)

۶۳-دهش نیک اندیش گرامی آقای رستم دهموبد به
نامگانه روانشادان (مبلغ ۱ میلیون تومان)

۶۴-دهش نیک اندیش گرامی آقای هرمزد خدارحم
مهران به نامگانه روانشادان خدارحم هرمزدیار مهران و
تابنده شهریار فرهادی (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۶۵-دهش نیک اندیش گرامی ورثه سلطان برزو پرستار
به نامگانه روانشادان اردشیر رشید نوذری و سلطان برزو
پرستار (مبلغ ۲۰ میلیون تومان)

۶۶-دهش نیک اندیشان گرامی فرزندان سهیل سروشیان
به نامگانه روانشاد سهیل منوچهر سروشیان
(مبلغ ۵ میلیون تومان)

۶۷-دهش نیک اندیش گرامی (مبلغ ۲ میلیون تومان)

۶۸-دهش نیک اندیش گرامی آقای دینیار دستور اردشیر
اشیدری به نامگانه روانشاد گوهر بهرام غیبی
(مبلغ ۱۵ میلیون تومان)

۶۹-دهش نیک اندیش گرامی آقای کیوان فرامرزی به
نامگانه روانشاد عشرت رستم زعیم
(مبلغ ۷ میلیون تومان)

۸۷-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم دولت اسفندیار داسرم به نامگانه فریدون رستم خسروملا (پور خسروی) (دو عدد قالی کرمانی دست دو)

۸۸-دهش نیک اندیشان گرامی برادران و خواهر به نامگانه روانشاد بزرگمهر ماشاالله مهرباب سلطان غیبی (مبلغ ۳ میلیون تومان)

۸۹-دهش نیک اندیشان گرامی خانواده خداداد نوروزی به نامگانه روانشاد مهربائی خداداد نوروزی (یک دستگاه بخاری گاز سوز)

۹۰-دهش نیک اندیشان گرامی خانواده آذرباد اُشیدری به نامگانه روانشاد مهرتاج آذرباد اُشیدری (یک دستگاه بخاری)

۷۹-دهش نیک اندیش اندیشان گرامی فرزندان شاپور گشتاسبی به نامگانه روانشادان ایراندخت هرمزدیار کاویانی و شاپور بهرام بهرام گشتاسبی (مبلغ ۲۰ میلیون تومان)

۸۰-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم روشنگ رهنمون به نامگانه روانشاد پریدخت هرمزدیار کیخانزاده (مبلغ ۱۰ میلیون تومان)

۸۱-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم فریده ایرج کشاورزی به نامگانه روانشاد ایرج دینیار سیاوشیان (مبلغ ۲ میلیون تومان)

۸۲-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم فریده ایرج کشاورزی به نامگانه روانشادان ایرج دینیار کشاورزی و دولت گلی کیخسرو کشاورزی (مبلغ ۳ میلیون تومان)

۸۳-دهش نیک اندیش گرامی خواهر و برادران به نامگانه روانشادان مهشید ماشاالله مهرباب سلطان غیبی (مبلغ ۳ میلیون تومان)

۸۴-دهش نیک اندیش گرامی آقای آرش اسفندیار بهی زاده (مبلغ ۴ میلیون تومان)

۸۵-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم مهری گشتاسبی به نامگانه مادر بزرگشان همایون گشتاسبی (یک دستگاه یخچال)

۸۶-دهش نیک اندیش گرامی سرکار خانم روح انگیز مهربان یزدانی به نامگانه روانشادان مهربان اردشیر یزدانی و گوهر اردشیر یزدانی (امتیاز لوله کشی گاز)



خانم تاج شهریارى پیشکسوت والیبال کرمان

کرمان خیابان زریسف (شهدا) خیابان برزو آمیغی دبیرخانه انجمن زرتشتیان کرمان

شماره تماس: ۰۳۴۳۳۱۲۶۶۸۶